

خبرهای عملیات خونبار "والفجر ۸"

* هزاران نفر در جبهه های جنگ به کام مرگ فرستاده شدند
 * بندر عراقی فاو در اشغال نیروهای جمهوری اسلامی قرار دارد
 * از نتیجه نبرد در جزیره ام الراس خبر موثقی منتشر نشده است

روز سه شنبه ۲۲ بهمن ماه، رادیوی جمهوری اسلامی خبر تصرف بندر فاو را اعلام کرد. بندر فاو در منتهی البیه جنوب شرقی عراق و در کناره شط العرب قرار دارد. گزارشات رسانه های غرب خبر تصرف فاو را توسط جمهوری اسلامی تأیید کرده اند.

جمهوری اسلامی پس از تصرف بندر نفتی فاو اعلام داشت که نیروهای خود را به سمت بصره گسیل داشته است. خبر پیشروی نیروهای جمهوری اسلامی در جاده فاو - بصره مصادف با اعلام خیر ضدحمله عراق در همین منطقه بود. عراق اعلام کرد که در اثر این ضدحمله تعداد بی شماری از نیروهای جمهوری اسلامی را از پای در آورده است.

واقعیت این است که جمهوری اسلامی چه در بقیه در صفحه ۲

بکشنبه ۲۰ بهمن، بار دیگر جمهوری اسلامی با دست زدن به یک حمله گسترده جدید هزاران تن را به کام مرگ فرستاد. حمله جدید جمهوری اسلامی که موسوم به "والفجر ۸" می باشد، در جبهه جنوب و در واقع در محور جنوبی شط العرب به وقوع پیوست. در اطلاعیه قرارگاه "خاتم الانبیا" که از رادیوی دولتی جمهوری اسلامی روز دوشنبه ۲۱ بهمن ماه قرائت شد، تصریح شده است که نیروهای جمهوری اسلامی با کلاشتن از آب های شط العرب، جزیره ام الراس را به تصرف خود در آورده اند. پس از آن ضدحمله خونبار نیروهای مسلح عراق آغاز شد. جمهوری اسلامی نسبت به نتایج ضدحمله عراق سکوت کرد که میتواند حاکی از ناتوانی اش در حفظ این جزیره باشد.



پیش از حمله - در انتظار مرگ



دوشنبه ۲۸ بهمن ۱۳۶۴ برابر ۱۷ فوریه ۱۹۸۶
 به شماره ۶۰ - سال دوم - شماره ۹۵

مرگ بر خمینی جنگ افروز!

کمتر از یک سال پس از آخرین عملیات بزرگ نظامی جمهوری اسلامی در اسفند ماه سال ۶۲، حمله تازه به منظور نفوذ در داخل خاک عراق آغاز گشت. حمله پیشین و تمام عملیاتی که پس از رهایی خرمشهر در سال ۶۱، صورت گرفته است، به شکست های فاحشی انجامید. از آن حملات آنچه که بر جای ماند تنها هزاران هزار کشته بود که اجساد بسیاری از آنان هیچگاه از میان با تلاقها و شنزارهای آنسوی مرز گردآوری نشدند. اینک عملیات تازه آغاز شده است.

نیروهای ایرانی در بندر عراقی فاو در زیر بمبارانهای مدام شکاری - بمب افکن های عراقی می کوشند، سربل های بدست آمده را حفظ کنند. طرفین بی مهابا سلاحهای شیمیایی را بکار می گیرند. سربازان ایرانی را از این باتلاق به آن شنزار می کشانند. در شنزارهای جزیره ام الراس و نخلستان های فاو بر آنان همان می رود که در جزیره مجنون رفت.

در تمامی پهنه میهن مردم سوگوارند. این

بقیه در صفحه ۱۲

جشن شکوهمند زادروز سازمان در آلمان فدرال

درمی آورد، جلوه ویژه ای به جشن داده بود. فدائیان نشان دادند که در هر کجا که باشند، با نیرو گرفتن از سرچشمه لایزال رزم رفقایشان در جبهه داخل کشور، چشم در چشم و رودر روی دشمن، با ایمان راسخ به مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری، با قلبی که ملامال از عشق به مردم است، راه خدمت به مردم، راه مبارزه برای صلح، آزادی، استقلال و سوسیالیسم را می پویند.

تالار محل برگزاری جشن، با تصاویر بنیانگذاران مارکسیسم - لنینیسم و مفاخر جنبش کمونیستی ایران، با شعارهای سازمان و با پرده بزرگی حاوی طرحی در گرامیداشت ۱۵ سال پیکار سازمان، تزئین شده

بقیه در صفحه ۶

روز ۱۹ بهمن ۱۳۶۴، همزمان با پانزدهمین سالگرد حماسه سیاهکل و اعلام موجودیت سازمان فدائیان خلق ایران، مراسم باشکوهی در بوخوم (آلمان فدرال) برای گرامیداشت ۱۵ سال رزم پیکر و بی ایمان فدائیان در راه آزادی، استقلال، دموکراسی و سوسیالیسم برگزار شد. استقبال چشمگیر و گسترده هم میهنان مقیم آلمان فدرال و میهمانان آلمانی و خارجی از این جشن بزرگ، مراسم ۱۹ بهمن امسال را به باشکوه ترین جشن زادروز سازمان در سال های اخیر در اروپا تبدیل کرد. طنین شعارهای کوبنده ۱۵۰۰ نفر که بارها و بارها با ندای "رود بر فدایی"، "زنده باد همبستگی بین المللی"، "مرگ بر خمینی" و ... سالن را به لرزه

کمپانی نفتی آمریکایی "شورون" از جمهوری اسلامی ۱۱۵ میلیون دلار غرامت گرفت

بریتیش پترولیوم سی. اف. تی که شرکتهای اروپایی هستند، غرامت های کلان دریافت کردند. غرامت دریافتی شورون به حکم دادگاهی پرداخت شده است که رسیدگی به دعوی ایران و آمریکا را بر عهده دارد و طبق موافقتنامه الجزیره تشکیل گردیده است.

مجموع غرامت های ادعا شده توسط شرکتهای عضو کنسرسیوم به ۸۰۵ میلیون دلار بالغ می گردد که جمهوری اسلامی تا کنون قریب ۶۰۰ میلیون دلار، یعنی سه چهارم آن را پرداخت کرده است.

بقیه در صفحه ۷

روزنامه هرالد تریبون در شماره ۲۱ ژانویه خود می نویسد، "شرکت شورون (شرکت نفتی آمریکایی استاندارد اوایل کالیفرنیا) بابت ادعاهای خود در مورد جبران سرمایه گذاریهای معادله شده اش پس از انقلاب ۱۹۷۹ ایران، ۱۱۵ میلیون دلار غرامت گرفته است."

به نوشته این روزنامه، شورون اولین شرکت آمریکایی عضو کنسرسیوم نفتی تشکیل شده در ۱۹۵۴ است که از جمهوری اسلامی چنین غرامتی می گیرد. کنسرسیوم، از ۱۴ کمپانی نفتی غربی تشکیل شده بود قبلا کمپانی شلمند،

زنده باد صلح، مرگ بر خمینی جنگ افروز!

پایان تاکتیک عملیات محدود

تقریباً دو ماه پیش ما در مقاله‌ای با عنوان "فاجعه جنگ در مسیر کشتاری دیگر" چنین نوشتیم: "دو رژیم جنایتکار خمینی و صدام، بعد از یک دوره تدارک و حملات جانبی، اینک برای یک کشتار وسیع ابراز آمادگی می‌کنند. منطق این جنگ پوچ و بی‌سرانجام نیز جز این نمی‌تواند. جنگی که ده هزار، ده هزار به خاک و خون کشیده است، نمی‌تواند در قالب "عملیات محدود" از این سو و "حملات هوایی به هدف‌های بزرگ دریایی" از آن سو محدود بماند." (اکثریت شماره ۸۲)

این که دیگر تاکتیک "عملیات محدود" نمی‌تواند ادامه یابد، از مدت‌ها پیش آشکار گشته بود. این تاکتیک یا می‌توانست سرگرمی دوره تدارک یک مصالحه سیاسی باشد و یا سرگرمی دوره تدارک یک دور تازه از درگیری‌های نظامی، و از آن جهت که اولی نبود و یا دقیق‌تر بگوییم نتوانست باشد، جای خود را می‌بایست به برنامه جنگی تازه‌ای بدهد. تاکتیک "عملیات محدود" بعد از پایان دور دوم جنگ شهرها پیش گرفته شد. عملیاتی همچون قدس، ظفر، یا امام موسی‌بن جعفر و عاشورا در اعلامیه‌های ستاد مشترک ارتش و سپاه پاسداران جمهوری اسلامی، با عناوینی همچون "شبیخون" و "عملیات نفوذی" توصیف گردیدند. مسئولین رژیم در این زمینه طبق معمول سرو صدای زیادی به راه انداختند و در ماندگی خود را پی‌ریزی یک استراتژی جدید نام نهادند. اما از همان آغاز مشخص بود که نمی‌توان شعار اصلی را "جنگ، جنگ تا پیروزی" قرار داد و در همان حال عملیات محدود نفوذی را به مثابه تاکتیک اصلی قلمداد کرد. هجوم‌های پرسرو صدا و پرکشتار می‌بایست بی‌آمد این عملیات کم دامنه باشد.

دوره‌ای که می‌توان آن را به اعتبار تاکتیک‌های جنگی پیش گرفته شده از سوی جمهوری اسلامی دوره "عملیات محدود" نامید، دستاوردهای زیادی برای رژیم عراق داشت. در این دوره عراق خارک را کوبید و فشار اقتصادی مهمی بر جمهوری اسلامی وارد کرد. در این دوره نقطه ضعف‌های جمهوری اسلامی آشکارتر و آشکارتر شدند. جمهوری اسلامی همچون دیوانه‌ای که به تناوب جنونش اوج می‌گیرد، دوباره متشنج گشت و طرح کشتار تازه‌ای را ریخت. تاکتیک عملیات محدود و نفوذی با شکست

مواجه شده بود و مجدداً می‌بایست به تاکتیک‌هایی که پیش از این از سوی رفسنجانی در مصاحبه با اطلاعات اول مهر سال ۶۲ تاکتیک "یکی دو ضربه عمیق نظامی" نام نهاده شده بود، بازگشت نمود.

بسیج نظامی

سیر وقایع را که از نظر می‌گذاریم می‌توانیم اوایل آبان را مقطعی بدانیم که در آن سران رژیم بر

والفجر ۸:

پایان یک شکست

سیاسی جنگ هر وقت مناسبت پیش آید، کار خودمان را انجام می‌دهیم." تقریباً در همان زمان روزنامه رسالت به سردبیری آذری قمی در پیش شماره چهارم خود در مقاله‌ای با عنوان "صلح جنگ طلبانه و ضرورت بسیج نیرو" به شدت بر روی فرستادن هر چه بیشتر نفرات به جبهه و دست زدن به یک کشتار تازه تأکید کرد. همه جناح‌های حکومتی بعد از یک دور درگیری که بر سر کابینه داشتند بر روی مسائل مختلف اظهار نظر می‌کردند. آنها در یک مورد نظر واحدی ابراز می‌کردند. آن هم اینکه جنگ باید ادامه یابد و کشتار بزرگ

آغاز یک شکست

تازه‌ای در چشم انداز آن قرار گیرد.

خامنه‌ای و

مامی خواهیم چکار کنیم؟

در اوایل آذر ماه خامنه‌ای در پایگاه هوایی نوزده خطاب به افراد بسیج گفت: "در ادامه حمایت شما از جبهه‌ها دشمن سرگردان شده است که ما می‌خواهیم چکار کنیم؟" این پرسش جناب حجت الاسلام خامنه‌ای کاملاً بی‌معنی بود. همه می‌دانستند که جمهوری اسلامی می‌خواهد چکار کند. در آذر، دی و بهمن مرتب بر حجم تبلیغات جنگ طلبانه افزوده شد. خود رئیس جمهور و نخست وزیر نیز برای گرفتن فیکور، لباس بسیج پوشیدند و برای صفحات اول روزنامه‌های رژیم عکسهای مخصوص گرفتند.

در اواخر آبان و اوایل آذر خطر از سر گرفته شدن جنگ شهرها به شدت بالا گرفت، اما عراق ترجیح داد نیروی خود را بر روی خارک متمرکز سازد. در همان حالی که صدور نفت از خارک مختل شده بود و علایم پائین آمدن قیمت نفت در سطح جهانی آشکار می‌گشت، اعلام شد که بودجه جنگی به میزان ۱۲ درصد افزایش می‌یابد. در اواسط دی یک مانور هوایی صورت

گرفت که در ادامه مجموعه تدارکاتی بود که برای یک کشتار تازه صورت می‌گرفت.

رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی و سخنگوی شورای عالی دفاع در روز ۲۸ دی در دیدار با جمعی از پرسنل نیروی هوایی که در یک مانور نظامی شرکت جسته بودند گفت "به نظر می‌رسد شرایط سیاسی که از آن دم می‌زنیم، در حال تحقق است." منظور وی از این سخنان روشن بود. او از یک کشتار بزرگ دیگر سخن می‌گفت.

پیروزی یا شکست؟

اکنون رژیم به فاجعه برده و آن را تصرف کرده است. آیا این یک پیروزی است؟ برای یافتن پاسخ باید دید که چه عامل عمده‌ای زمینه ساز این کشتار تازه بوده است؟ بن بست بیشتر جنگ. در فاصله دور دوم جنگ شهرها تا "الفجر ۸"، حتی در مقاطعی جنگ چنان رکود پیدا کرد که اعلامیه‌های نظامی تنها حالت نمایشی داشتند محض یادآوری بودند. اما این وضع چندان دیرنیا بود. این کوه نمی‌تواند موش بزیاید. منطق این جنگ کثیف، کشتار و کشتار و کشتار است. این جنگ محدود شدنی نیست. تاکتیک "عملیات محدود" شکست خورد. والفجر ۸ سبیل این شکست است و به همین اعتبار است که می‌توان والفجر ۸ را شکست دانست. همه دست و پا زدن‌ها، تقلاها، دیدارها، تدارک‌ها، حمله‌ها، عقب‌نشینی‌ها، مانورها و تبلیغاتی که در فاصله دو کشتار بزرگ زمینی بدر والفجر ۸ و کشتار بزرگ زمینی بدر والفجر ۸ و کشتار تا کتون که تقریباً ۸ ماه را دربر می‌گیرد، صورت گرفته است نشان می‌دهند که حریق این جنگ مهار شدنی نیست. شعله‌های آن اندکی فرو می‌نشیند اما بلافاصله باید زیانه کشند تا قربانیان بیشتری را با لهنیب خویش خاکستر کنند. بن بست کامل! این نمره همه آزمون‌های این ۸ ماهه است و همین بن بست است که رژیم دیوانه خمینی را واداشته است تا دوباره سریر دیوار کوبد.

والفجر ۸ اعتراف به شکست در تاکتیک‌های یک دوره است و آغازی است بر همان تاکتیک قدیمی "یکی دو ضربه عمیق نظامی". این دور جدید نیز که کیفیت نوینی پا خود ندارد و تنها نکبت و درماندگی آن افزوده گشته است به چیزی جز فلاکت بیشتر، جنایت‌های بیشتر و کشتارهای وسیع‌تر منجر نخواهد شد.



خمینی، تشنه خون‌های تازه

در افسانه‌های برخی ملل اروپایی از مردی خون آشام به نام کنت دراکولا نام برده شده است که سال‌ها پس از مرگ سر از تابوت به در کرد و تنها با خون انسان‌ها تغذیه می‌نمود. دراکولا افسانه است اما چنین خون‌آشامان از تابوت قرون بدر آمده‌ای اینک در میهن ما بر اریکه قدرت نشسته‌اند. آنان از خون

سیرابی ندارند. خون و کشتن و به کشتن دادن اساس و "فراز" باورهای آنهاست. کشتار، کشتار، و کشتار. کشتار در چپه‌ها، کشتار در زندان‌ها، کشتار در جنگ شهرها، کشتار در کارخانه و کشتار در...
و اینک با آغاز این حمله و ماجراجویی جدید نظامی، باز هم کشتاری وسیع و جدید به اجرا درآمده

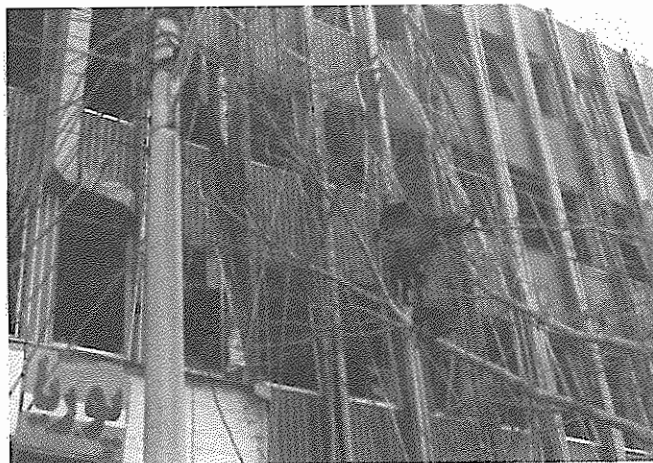


این جا گوشه‌ای از چپه نیست. گوشه‌ای از شهر ویران شده باختران است جواشان می‌روند که مردگان و با زندگان را از آوار بیرون بکشند. بی‌وزن متحیر مانده است که با او، یا شهرش، با کشورش چه کرده‌اند، چه می‌کنند؟ آن‌ها را چرا در زیر آوار کرده‌اند؟ این جا چرا می‌سوزد؟



نه! هم میهن به خون کشیده، موی و روی خونیت را بیوشتان. بمب افکن‌ها که بیرون، پاسدارها می‌آیند. خواهند گفت روی و موی تو باید در حجاب باشد.

آن چه که بر فراز شاخه‌های درخت مانده است، بازمانده یک انسان است. وقتی که هواپیماها می‌آمدند، او در پیاده‌روی خیابان مصدق درگذر بود. هواپیماها که رفتند از او تنها همین تکه‌هایی ماند که می‌بینید.



خبرهای عملیات خونبار و انفجرات

بقیه از صفحه اول

در هنگام عبور از شط العرب و چه در هنگام تصرف بندر فاو و اینک در نگاهداری این جزیره، متحمل تلفات سنگینی شده است. واقعیت تلخ‌تر این‌جاست که نگاهداری فاو زیر آتش سلاح‌های دوربرد عراق و زیر بمباران دائمی هوایی بازم تلفات بیشتری در پی خواهد داشت. در مقابل جمهوری اسلامی نیز ادعا کرده است که تاکنون توانسته بیش از ۸۰۰ کیلومتر مربع از خاک این ناحیه را اشغال نموده و نزدیک به ۶۰۰ تن از نیروهای عراقی را کشته و یا مجروح سازد. در اطلاعیه شماره ۱۱ قرارگاه خاتم الانبیا اعلام شده است که تعداد اسرای عراقی از مرز ۱۴۰۰ تن گذشته است.

عراق برای بازپس‌گیری بندر نفتی فاو، لشکر هفتم خود را بدان سو اعزام داشته و مواضع جمهوری اسلامی را در این بندر مرتباً زیر آتش توپخانه و حملات هوایی قرار داده است. عراق ظاهراً از همه ظرفیت نیروی هوایی خود برای بمباران سنگرهای نیروهای جمهوری اسلامی در فاو استفاده می‌کند. جمهوری اسلامی ادعا نموده است که ۲۴ فروند هواپیمای عراق را ظرف چند روز اخیر سرنگون کرده است. از سوی دیگر جمهوری اسلامی برای حفظ مواضع خود، ناکزیر شده است که هواپیماهای محدود خود را به‌کار گرفته و وارد عملیات سازد. روز شنبه ۲۶ بهمن ماه اعلام شد که هواپیماهای جمهوری اسلامی به مواضع عراق حمله کرده‌اند. عراق ضمن تایید این حمله، گزارش کرد که دو فروند هواپیمای (اف-۴) را سرنگون کرده است.

بندر نفتی فاو هنوز در تصرف نیروهای جمهوری اسلامی است و رادیوی دولتی اعلام کرده است که خبرنگاران چند کشور خارجی و از جمله آلمان فدرال از متصرفات جمهوری اسلامی در فاو دیدن کرده‌اند.

در روز یکشنبه ۲۶ بهمن جمهوری اسلامی اعلام داشت که تلفات نیروهای عراقی به ۱۲۷۰۰ نفر رسیده است. دو برابر شدن تعداد تلفات ادعایی ارتش عراق از سوی جمهوری اسلامی، نشانه شدت درگیری‌هایی است که جریان دارد. ستاد ارتش جمهوری اسلامی در همین بقیه در صفحه ۷

۲۰۰ میلیون دلار ریبا ۲۴ میلیارد دلار

موسوی نخست وزیر در پایان جلسه هیات دولت در مصاحبه‌ای مطبوعاتی نسبت به عواقب کاهش قیمت نفت اظهار نگرانی کرد. با وجود این وی مدعی شد که «در سال ۱۳۶۰... برنامه ریزی شد که کشور را با دو بیست میلیون دلار درآمد ارزی بچرخانیم».

لازم به یادآوری است که چند روز پیش از این مصاحبه، موسوی اظهار داشته بود که جمهوری اسلامی برای تامین نیازهای خود، محتاج وارداتی در حد ۲۴ میلیارد دلار می‌باشد.

مالیات مابازم افزایش می‌یابد

ایروانی وزیر امور اقتصادی و دارایی طی یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی ضمن اشاره به کاهش قیمت نفت، عنوان کرد که جمهوری اسلامی باید هر چه بیشتر روی صرفه جویی در بودجه جاری تاکید ورزد. وی گفت که یکی دیگر از راههای تامین نیازهای مالی جمهوری اسلامی استفاده هر چه بیشتر از مالیاتهاست. وی در این باره اظهار کرد «درآمدهای مالیاتی در کشور ما باید افزایش یابد». ایروانی عنوان نمود که فرهنگ مالیاتی در ایران وجود ندارد. وزیر امور اقتصادی جمهوری اسلامی همچنین اعتراف کرد که سهم مالیات مشاغل در کل میزان مالیاتهای جمهوری اسلامی بسیار اندک می‌باشد وی اعلام کرد سهم مالیات پرداخت شده از سوی حقوق بگیران سه برابر مالیات مشاغل می‌باشد.

وزیر یازرگانی، جمهوری اسلامی متعهد

به توسعه روابط یازرگانی با ژاپن است

سفیر ژاپن در جمهوری اسلامی با جعفری وزیر یازرگانی ملاقات و مذاکره کرد. وی در این ملاقات بر تمایل شرکت‌های بخش خصوصی ژاپن به افزایش مبادله با جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد. وزیر یازرگانی جمهوری اسلامی نیز در این دیدار اعلام کرد که: «جمهوری اسلامی ایران نیز خود را متعهد می‌بیند و کوشش می‌کند که روابط یازرگانی بین دو کشور پیش از گذشته توسعه یابد و ظرفیتهای موجود در این زمینه پر شود» وزیر یازرگانی بر مشارکت هر چه بیشتر ژاپن در «پروژه‌های عمرانی» کشور تاکید ورزید و اعلام نمود که جمهوری اسلامی کالاهای صنعتی مورد نیاز خود را از ژاپن خریداری می‌کند.

قائم مقام وزارت امور خارجه

اتحاد شوروی ایران را ترک کرد

«کلورگی مارکوویچ کورنینکو» قائم مقام وزارت امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی که بنا به دعوت یشارتی همتای خود در جمهوری اسلامی به ایران مسافرت کرده بود، پس از سه روز اقامت در تهران ایران را ترک گفت. قائم مقام وزارت امور خارجه اتحاد شوروی، طی اقامت خود در تهران با خامنه‌ای، رفسنجانی، موسوی و ولایتی و آقازاده، دیدار و گفتگو داشت.

رفسنجانی مانع اطلاع نمایندگان مجلس

از مصوبات هیات دولت گردید

طرح اطلاع مجلس شورای اسلامی از مصوبات هیات وزیران که کلیات آن پیش از این با دوسوم آرای نمایندگان به تصویب رسیده بود در هفته گذشته در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار گرفت. در صورت تصویب این طرح، هیات وزیران موظف می‌شد تمامی مصوبات خود را حد اکثر ظرف دو روز به اطلاع مجلس برساند. در تبصره‌ای بر این طرح آمده بود که کلیه قراردادهای دولت با شرکت‌های دولتی و خصوصی و با سایر کشورها مشمول این طرح می‌شوند.

رفسنجانی و هواداران دولت که اطلاع نمایندگان را از تصمیمات و مصوبات هیات دولت و بازتاب احتمالی آنها را در سطح جامعه بسیار خطرناک تلقی می‌کنند، از ارائه این طرح شدت خشمگین شده بودند. پس از مختصری بحث حول این طرح در مجلس، رفسنجانی اعلام داشت که چون «طرح مزبور ابهامات جدی دارد» از دستور کار خارج شده و مسکوت گذاشته شود.

خرید و فروش اتومبیل آزاد شد

طرح لغو ممنوعیت سه ساله معامله و ساندنقلیه، به مجلس شورای اسلامی ارائه و کلیات آن تصویب شد. یکی از نمایندگان اظهار داشت: «با آزادی معاملات میلیاردی تومان به جیب دولت ریخته می‌شود». نماینده دولت در دفاع از طرح مطرح ساخت که گرچه بخشنامه دولت برای ایجاد این ممنوعیت مصلحت داشته ولی «مصلحت آزادی معامله» بیشتر است.

با تصویب این طرح معاملاتی که تا کنون بصورت قولنامه‌ای صورت می‌گرفت، از این پس در محضر رسائیت می‌شود و دولت از محل ثبت و عوارض مربوطه میلیاردها تومان وصول خواهد کرد.

بی‌پولی دولت و آگهی تبلیغاتی

بخش آگهی تبلیغاتی در رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی مدتی است که آغاز شده است. گرچه

تبلیغات تجارتي در مطبوعات جمهوری اسلامی هیچگاه قطع نشد ولی بخش آن از رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی کاملاً تازگی دارد. یکی از مسئولین «صدا و سیما»، درباره دلایل این امر گفت: «در بخشنامه نخست وزیر در مورد بودجه سال ۶۵ که به سازمانهای دولتی ابلاغ کرده‌اند، بر تدارک منابع مالی دیگری تاکید نموده‌اند» وی مشکلات مالی و کمبود بودجه صدا و سیما را از علل بخش آگهی از رادیو و تلویزیون نامید.

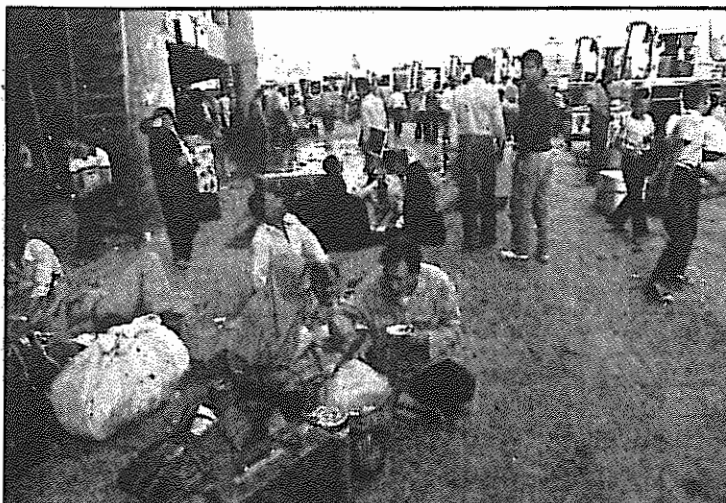
اخبار کوتاه

* سپاه پاسداران طی اطلاعیه اعلام کرد، آن عده از بسیجی‌هایی که شش ماه خدمت در جبهه را بپذیرند، می‌توانند تحت عنوان «سهمیه مریوطه رزمندگان» در کنگور دانشگاه شرکت کنند. کسانی که جزو این سهمیه باشند علیرغم بی‌سوادی به آسانی وارد دانشگاه می‌شوند. اقدام اخیر سپاه در پی امتناع گسترده جوانان و نوجوانان بسیجی از حضور در جبهه صورت می‌گیرد.

* اداره آمار اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی اعلام کرد که شاخص بهای عمده فروشی کالاها در ایران در دیمه سال جاری نسبت به ماه مشابه سال قبل افزایش یافته است. گرچه آمارهای دولتی مخدوش می‌باشند ولی در همین گزارش آمده است که قیمت بعضی از کالاها تا ۶۲ درصد افزایش داشته است.

* سفیر جمهوری اسلامی در پاکستان اطلاع داد که تا پایان ماه جاری مسیحی (فوریه) یک اجلاس اقتصادی سه جانبه بین کشورهای ایران، پاکستان و ترکیه در اسلام آباد برگزار می‌شود. وی اطلاع نداد که این اجلاس در چه سطحی از مسئولین این سه کشور برگزار خواهد شد.

* روزنامه اطلاعات ۱۹ بهمن اعلام کرد که انجمن اسلامی پزشکان، دندانپزشکان و دروسازان اعلام موجودیت نموده است. لازم به یادآوری است که این انجمن پیش از اعلام موجودیت خود، بارها علیه سازمان نظام پزشکی اعلامیه و جزوه منتشر کرده بود.



عکسی که مشاهده می‌کنید اوضاع اسفناکی از ترمینال‌های مسافری تهران را تصویر می‌کند. مسافران جایی برای نشستن در اختیار ترمینال‌های مسافری آلودگی محیطه، کرانفروشی و خلافتکاری بیداد می‌کنند.

کارگران وزیر مسکن راهو کردند

سینار تعاونی‌های مسکن سراسر کشور که در روزهای ۲۶ و ۲۷ آذرماه در سالن دخانیات برگزار گردید، به جلسه استیضاح رژیم بدل شد. شرکت کنندگان سینار به شدت علیه عملکرد وزارت مسکن و سیاست‌های رژیم در این زمینه اعتراض کردند. وقتیکه وزیر مسکن به منظور سخنرانی در پشت تریبون قرار گرفت، کارگران به وی اجازه سخنرانی ندادند. بلافاصله پس از حضور وزیر مسکن در تریبون کارگران به طور یکپارچه او را هو کردند. کز داندگان خانه کارگر که می‌کوشیدند کارگران را وادار به سکوت نمایند، ره به جایی نبردند و هو وزیر مسکن همچنان تا ده دقیقه ادامه یافت. وزیر مسکن بالاخره مجبور شد بدون سخنرانی تریبون را ترک کند. پس از آن کارگران آرام گرفتند و اجازه دادند برنامه جلسه ادامه یابد.

خانه کارگر که در تمام سال‌های اخیر می‌کوشید تعاونی‌های مسکن را تحت کنترل خود نگه دارد در این سینار با شکست سختی مواجه شد. خانه کارگر نتوانست همه مواد قطعنامه پایانی سینار را به دلخواه خود تنظیم کند. شرکت کنندگان در سینار در یکی از مواد این قطعنامه خواست خود را مبنی بر ضرورت تشکیل اتحادیه تعاونی‌های مسکن کنجانند.

دانش آموزان متحد

مدیر حزب الهی را اخراج کردند

در ده‌ماه در شهرک ولی‌عصر (واقع در جاده ساوه) دانش آموزان مدرسه راهنمایی دخترانه در اعتراض به انتقال عده‌ای از معلمان و نیز رفتار توهین آمیز مدیر حزب الهی مدرسه از رفتن به کلاس خودداری ورزیدند و در حیاط مدرسه اجتماع کردند. دانش آموزان با دادن شعار قاطعانه خواستار ایقان معلمان انتقالی و عزل مدیر مدرسه گردیدند. آنها شعار می‌دادند "برای حفظ شیشه سمدیر باید بیرون شه". دانش آموزان تمام پوستره‌های تبلیغاتی رژیم را از دیوارها پایین کشیدند و پاره کردند. آنها سیم بلندگو را قطع نمودند و مانع سخنرانی مدیر شدند. پاسداران کمیته که برای ایجاد رعب و آرد مدرسه شده بودند، کاری از پیش نبردند و بناگزیر بازگشتند. این حرکت اعتراضی با پیروزی دانش آموزان پایان یافت و مسئولین ناحیه ۱۸ آموزش و پرورش مدیر حزب الهی را برکنار ساختند و معلمان این مدرسه در کار خود ایفا شدند. در حین این اقدام اعتراضی، دختران دانش آموز در عین حال علیه حجاب نیز موضع گرفته و تنی چند از آنان مقنعه را از سر درآورده بودند.

حرکت جمعی اعتراضی دانش آموزان، این محله فقیرنشین تهران، نمونه‌ای از حرکتی است که هر روزه در سطح مدارس تهران اتفاق می‌افتد. در سال جاری مبارزه دانش آموزان کشور علیه رژیم خمینی و مسئولین آموزش و پرورش، گسترش چشمگیری یافته است. بر تعداد حرکات اعتراضی دانش آموزان در قیاس با سال گذشته به مراتب افزوده شده است.

در روستاهای کشور

روستاییان ایلام :

دولت که گد اشده ، چرا جنگ می کند

در اسلام آباد از سوی موحدی قسی امام جمعه سفاک این شهر، قبض‌هایی به منظور جمع آوری کمک مالی به جیبه چاپ و توزیع شده است. کارگران رژیم به منظور فروش این قبض‌ها در خیابانهای شهر و روستاهای منطقه به دوره افتاده اند ولی علی‌رغم تهدید و ارباب کمتر کسی حاضر به خرید آن می‌گردید. در روستاها، دهقانان می‌گفتند "دولت که گد اشده، اگر پول ندارد چرا جنگ می‌کند".

در اسلام آباد و کل استان ایلام مسئولین جهت گردآوری نیرو به جیبه به اقدامات گسترده‌ای دست زده‌اند. سپاه پاسداران به کلیه ادارات نامه نوشته و خواستار شرکت کارمندان در جنگ گردید. در این نامه وعده داده شد که به کارمندان در ازای شش ماه خدمت در جیبه، پاداش‌هایی از قبیل ترفیع، افزایش مرخصی، تشویق و تقدیرنامه داده خواهد شد. باوجود این نتیجه‌ای نگرفتند. مثلا در کرند غرب برغم تشیقات رئیس آموزش و پرورش حتی یک معلم نیز حاضر به رفتن به جیبه نگردید. در اسلام آباد مغازه‌دارانی را که حاضر به شرکت در نمایش‌های بسیج نشدند، تهدید به لغو جواز کسب کردند. موحدی قسی که برای تبلیغات جنگ افروزانه به روستای بدره‌ای رفت با مسجد خالی مواجه شد. دهقانان، حاضر به حضور در مراسم سخنرانی او نگردیدند. اطرافیان او برای کشاندن روستاییان به مسجد دوندگی‌های زیادی کردند.

درگیری دهقانان با مامورین رژیم

در روستای چروگان اصفهان، روستاییان نسبت به حکم دادگاه دایر بر تخلیه باغات و زمینهای مصادره شده "محمودی" فتودال معروف این منطقه وسیع دست به اعتراض زدند این اعتراض در روز ۴ آذرماه به درگیری شدیدی با مامورین رژیم انجامید. طی این درگیری تعداد زیادی از روستاییان مجروح گردیدند. عده‌ای از روستاییان مبارز نیز توسط ارگانهای سرکوب دستگیر و زندانی شدند.

دهقانان از حقوق خود نمی‌گذرند

اردشیر بهرامی فتودال روستای "بانباران میرزا حسین" از توابع اسلام آباد غرب علیه کشاورزانی که اراضی او را مصادره کرده بودند به حاکم شرع اسلام آباد شکایت برد. حاکم شرع بلافاصله به سود فتودال وارد عمل شد و دستور زندانی ساختن نه تن از کشاورزان را صادر کرد. تا چند هفته قبل هنوز چهارتن از کشاورزان دستگیر شده همچنان در زندان پسر می‌بردند. نامه دسته‌جمعی کشاورزان به دیوان عالی کشور در روز ۲۷ آذر در اعتراض به این امر هیچ نتیجه‌ای بیار نیآورد. مسئولین می‌گویند زندانیان زمانی آزاد خواهند شد که از حقوق خود بر اراضی مصادره شده رصا صرف نظر نمایند. اما دهقانان بند و زندان را می‌پذیرند، ولی از حقوق خود نمی‌گذرند.

پرای اخذ بهره مالکانه سال ۵۴ کشاورزان را زندانی کردند

سید عبدالله حیدری فتودال ضد انقلابی مشهور قریه ویله در بیوه‌نیچ کرند غرب است. او در ۱۹ آذرماه در دادگاه اسلام آباد غرب علیه کشاورزانی که بخشی از اراضی او را مصادره کرده بودند شکایتی طرح کرد. این فتودال هم چنین خواستار شد پرونده‌ای را که در سال ۵۴ در دادگستری این شهر بخواست او علیه کشاورزان تنظیم شده بود، به جریان بیاقت. او در آن سال کشاورزان را به خاطر عدم پرداخت مالیات عشرونییم عشرتحت پیگرد قرار داده بود.

دادگاه انقلاب اسلامی طبق خواست سید عبدالله حیدری به استناد پرونده تشکیل شده در سال ۵۴ توسط دادسرای استان، کشاورزان را محکوم می‌کند. بنابه حکم صادره، یازده تن از کشاورزان ویله به زندان‌های دولتی شش ماه محکوم و در زندان شهربانی اسلام آباد زندانی گردیدند. کشاورزان زندانی پس از اینکه نفی ۵۰ هزار ریال بابت مالیات‌های سال ۵۴ به فتودال پرداخت کردند، از زندان رهایی یافتند. باوجود این کشاورزان این روستا حاضر نشدند ۲۲ هکتار از اراضی مصادره شده را به سید عبدالله حیدری بازگردانند.

امام جمعه اردبیل :

روستاییان حلال و حرام سرشان نمی‌شود

در روز ۱۱ آذرماه عده‌ای از کشاورزان روستای نیار اردبیل که از خانواده کشته‌شدگان جنگ بوده‌اند، به اردبیل رفتند و با امام جمعه و فرماندار ملاقات کردند. کشاورزان در این ملاقات‌ها خواستار تجدید نظر در نحوه فروش و قیمت گذاری سیب‌زمینی بودند. سیب‌زمینی محصول اصلی این روستاست. در حالیکه بر قیمت مایحتاج مصرفی روستاییان همواره افزوده می‌شود، دولت نرخ سیب‌زمینی را ثابت نگه داشته و می‌کوشد از فروش آزاد آن توسط کشاورزان جلوگیری کند. آنها به حجت الاسلام مروج امام جمعه اردبیل گفتند: با این نحوه قیمت گذاری ما خانه خراب می‌شویم، این امر مغایر اسلام است. مروج که هنوز پس از سال‌ها از اقدام کشاورزان نیار در مصادره اراضی محمدخان امیری فتودال این روستا هم چنان خشمگین بود، آنان را با این پاسخ بیرون راند: "شما دهاتی‌ها اگر حلال و حرام سرتان می‌شود، چرا زمین‌های محمدخان امیری را تصرف کردید".

در اعتراض به انحلال مدرسه

روستاییان تحصن کردند

آموزش و پرورش شهرستان خمین تصمیم گرفت، تنها مدرسه راهنمایی روستای خوروند را منحل کند. با انتشار این خبر مردم روستا به مدرسه رفته و در اعتراض به این تصمیم در همانجا تحصن می‌نمایند. آنان برای مقابله با هجوم احتمالی ارگان‌های سرکوب خود را با بیل و کلنگ مسلح کرده بودند این حرکت رزمجویانه پس از ۱۵ روزه نتیجه می‌انجامد و مدرسه بازگشایی می‌شود.

جشن شکوهمند زادروز سازمان در آلمان فدرال

بقیه از صفحه اول

بود. در پیرون سالن، نمایشگاه‌های عکس، میزهای کتاب، آثار هنری و صنایع دستی ۰۰۰ با استقبال وسیع مراجعین روبرو بود. شمار بسیار حضار در مراسم، باعث شد تا حتی گنجایش سالنی که ظرفیت آن از همه اماکن برگزار کننده جشن ۱۹ بهمن در سال‌های اخیر بسیار بیشتر بوده، کفاف آن‌ها را ندهد. برخی از مشتاقان، به ناچار ایستاده برنامه جشن را همراهی کردند.

"مایرای رزم فداییان ارزش والایی قائلیم"

از جانب رهبری حزب کمونیست آلمان، رفیق دیرک کروگر عضو کمیته مرکزی و دبیر شعبه روابط بین‌المللی حزب در مراسم پرسکوه یوخوم شرکت داشت. وی در سخنرانی‌ای که ایراد نمود، درودهای گرم حزب برادر را به مناسبت پانزدهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان به شرکت کنندگان ابلاغ کرد. رفیق کروگر در آغاز سخنانش اعلام داشت متأسفانه رفیق هریرت میس، صدر حزب کمونیست آلمان به علت بیماری و تراکم کارهای مربوطه تدارک هشتمین کنفرانس حزب، امکان شرکت در جشن زادروز سازمان را نیافت، اما از طریق نماینده رهبری حزب، درودها و شادباش شخص خود را به سازمان ما و به جشن پانزدهمین سالگرد تاسیس آن فرستاد. عضو کمیته مرکزی حزب

کمونیست آلمان، در نطق پرشورش با اشاره به تاریخچه‌ای از مبارزات قهرمانانه مردم ایران علیه استعمار و ارتجاع و برای استقلال و آزادی، گفت: "از همان هنگام حمله مسلحانه به پایگاه سیاهکل در ایران، نیروهای دمکرات و ترقی‌خواه آلمان فدرال دریافتند که در کشور شما جنبش جدیدی با آرمان‌های انقلابی آغاز شده است. ما برای رزم فدائیان ارزش والایی قائلیم." رفیق کروگر همچنین به گوشه‌هایی از مبارزات جاری حزب کمونیست آلمان اشاره کرد و اعلام نمود حزب توانسته است در طی چند ماه، شمار اعضای خود را از ۵۰ هزار به ۶۰ هزار تن افزایش دهد.

یکی دیگر از سخنرانان جشن، فریتس هولشتاین مبارز برجسته ضد فاشیست و عضو هیات رئیسه اتحادیه ضد فاشیست‌های آلمان فدرال بود. وی در بیاناتش با ذکر نمونه‌هایی از تجارب انقلابیون آلمان در پیکار علیه فاشیسم میترلی، جنایات رژیم خمینی را با جنایات هیتلر مقایسه کرد و برای فدائیان خلق و همه مبارزان دمکرات ایرانی، در نبرد با رژیم فحشا آرزوی موفقیت نمود.

پیام حزب توده ایران (واحد آلمان فدرال) توسط نماینده حزب قرائت شد و مورد استقبال گرم حضار قرار گرفت. در این پیام، قاطعیت و سازش‌ناپذیری فدائیان خلق در برابر دشمنان مردم از همان آغاز پیکار خود،

تحسین گردیده و بر نقش و جایگاه سازمان و حزب توده ایران به مثابه گردان‌های پیشاهنگ طبقه کارگر ایران، تأکید شد.

درود بر افغانستان انقلابی!

هنگامی که مجری برنامه، با شعار "درود بر افغانستان انقلابی" حضور میهمانان افغانی در جشن و قرائت پیام رفقای حزب دمکراتیک خلق افغانستان در آلمان فدرال را اعلام نمود، موجی از شور و ابراز احساسات سالن را فرا گرفت. پیام سازمان حزب دمکراتیک خلق افغانستان در آلمان فدرال توسط نماینده آن قرائت و با استقبال و کف زدن‌های ممتد روبرو شد. حضار در جشن، مقدم نماینده انقلابی را گرمی داشتند که در همسایگی کشورمان، دژ مستحکم آزادی را برپا کرده و منبع الهام و نیروی گرفتن فدائیان خلق و همه انقلابیون ایران است.

از سراسر آلمان فدرال نزدیک به ۱۰۰ پیام از احزاب و سازمان‌های مترقی و دمکراتیک به جشن یوخوم رسید. از آن جمله بودند پیام‌های حزب کمونیست آلمان، سازمان جوانان کارگر سوسیالیست آلمان، اتحادیه دانشجویان مارکسیست (اسپارتاکوس)، اتحادیه دانشجویان سوسیالیست، حزب سبزها، اتحادیه صلح آلمان فدرال، اتحادیه ضد

فاشیست‌ها، سازمان‌های احزاب برادر در آلمان فدرال، سازمان‌های کردهای مقیم آلمان فدرال، جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین، حزب کارگران و کشاورزان پاکستان، و...

به دعوت برگزار کنندگان جشن و برای ابراز همبستگی با سازمان، گروه‌های موسیقی و رقص آذربایجانی، کردی، یونانی و شیلیایی به اجرای برنامه پرداختند. به ویژه موسیقی آذربایجانی و موسیقی و رقص کردی که با استادی اجرا گردید، مورد تشویق پرشور حضار قرار گرفت.

برنامه دیگر، اجرای نمایشنامه "چهل و چهاری‌ها" بود که با اقتباس از داستان کوتاهی با همین نام مندرج در "اکثریت" تنظیم شده بود. همچنین آشنایی به زبان‌های فارسی، آذری و کردی در ستایش انقلاب و انقلابیون و فدائیان و رزمشان دکلمه گردید.

قریب ۱۵۰۰ شرکت کننده در جشن پانزدهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در آلمان فدرال، پس از پایان جشن، در حالی که نیروی مضاعف و قلب‌های گرمشان سرمای سوزان هوا را جبران می‌کرد، به شهرهای محل سکونت خود بازگشتند تا پیامی را که از این مراسم پرسکوه گرفتند، به همه جا برسانند. آن‌ها در حالی که آخرین بند انترناسیونال، سرود کارگران و زحمتکشان سراسر جهان را، ستایش پرشور "آخرین رزم" را بر لب داشتند، رفتند تا جبهه پیکار سازمان را در هر کجا که هستند، نیرومندتر سازند.



بانگ رسای همبستگی با فدائیان خلق در دانمارک

جنبش کمونیستی و کارگری و دیگر نیروهای صلح و ترقی کشور دانمارک به طور فزاینده از فدائیان خلق در نبرد علیه رژیم اهریمنی جمهوری اسلامی، ابراز حمایت می کنند. ما در شماره های گذشته مواردی از آن را ذکر کرده بودیم که از جمله آنها اعتراض شدید دبیر کل حزب کمونیست دانمارک به تیرباران رهبران و کادرهای سازمان در ماه های اخیر بوده است. در این شماره نیز توجه شما را به چند خبر در این زمینه جلب می کنیم.

اتحادیه کارگران پست، زنده یاد فدائیان خلق!

نویری را محکوم می کنیم. به شکنجه و کشتار زندانیان سیاسی در ایران خاتمه دهید! به حقوق بشر و دموکراسی احترام بگذارید!

* اعضای رهبری اتحادیه کارگران فلزکار (لوتکپو) و سیزده تن از اعضای رهبری اتحادیه کمک مریبان کپنهاگ با اعضای متنی اعدام فدائیان اسیر را محکوم نموده، خواهان آزادی زندانیان سیاسی در ایران شدند.

* اتحادیه کارگران پست کپنهاگ که یکی از اتحادیه های قدرتمند و عضو پر نفوذ فدراسیون اتحادیه های کارگری دانمارک است با ارسال نامه ای به سفارت جمهوری اسلامی در این کشور، به شکنجه و اعدام فدائیان خلق اعتراض نمود. در بخش پایانی این نامه آمده است: "ما اعدام رهبران و کادرهای سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)، محمدرضا غیبايي، رضی الدین تاپان، جهانگیر بهتاجی، محمد امین شیرخانی، ابراهیم لطف الله زاده، محمد شیرودی و بیژن

دبیر کل حزب سوسیال دمکرات اعدام فدائیان را تقبیح کرد

می باشد) اعدام فدائیان و سایر انقلابیون ایران را محکوم نموده، خواهان آزادی زندانیان سیاسی در ایران شدند.

دبیر کل حزب سوسیال دمکرات دانمارک، منشی بین المللی حزب سوسیالیست مردمی دانمارک و همچنین شهردار کپنهاگ (که از مسئولین حزب سوسیالیست چپ

همبستگی با فدائیان خلق در کنفرانس کمونیستهای دانمارک

کادرهای فدایی سخن گفت. سپس قطعنامه میتینگ کپنهاگ توسط یکی از کمونیست های دانمارکی خوانده شد و با موافقت تمامی اعضای حزب کمونیست دانمارک در ناحیه آما به امضای کنفرانس رسید. در قطعنامه مذکور آمده است که "ما جمهوری اسلامی را به خاطر اعدام رهبران و کادرهای برجسته سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)، محمدرضا غیبايي عضو مشاور هیئت سیاسی کمیته مرکزی و سر دبیر نشریه کار، رضی الدین تاپان عضو مشاور کمیته مرکزی سازمان، محمد امین شیرخانی، جهانگیر بهتاجی، ابراهیم لطف الله زاده، بیژن نویری، محمد شیرودی محکوم می کنیم. و همبستگی خود را با مبارزات مردم ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) در راه صلح و آزادی اعلام می داریم."

در روزهای اول و دوم فوریه (۱۲ و ۱۳ بهمن) کنفرانس سالانه حزب کمونیست دانمارک در ناحیه آما، برگزار گردید. نمایندگان فدائیان خلق ایران (اکثريت) - دانمارک، سازمان حزب توده ایران - دانمارک، حزب کمونیست عراق - دانمارک و حزب کمونیست شیلی - دانمارک از میهمانان این کنفرانس بودند.

در ابتدای کنفرانس پیام مشترک فدائیان خلق ایران (اکثريت) - دانمارک، حزب توده ایران - دانمارک و حزب کمونیست عراق - دانمارک، بدین مناسبت قرائت گردید. اولین سخنران میهمان این کنفرانس یک رفیق فدایی بود که درباره نقش سازمان در جنبش انقلابی میهمانان، مقاومت فدائیان در زندان های رژیم خینی و اعدام چنایتکاران چند تن از رهبران و

خبرهای عملیات...

بقیه از صفحه ۲

روز ادعا کرد که پیشروی نیروهای رژیم در جاده فاو - بصره و فاو - ام القصر ادامه دارد.

تصرف بندر فاو در نزدیکی جزیره بوییان (که متعلق به کویت می باشد) باعث نگرانی کویت شده است. امیر کویت وارد جزیره بوییان شد و از استحکامات نظامی ارتش کویت در این جزیره بازدید کرد. اخیراً دولت های کویت و پنج کشور عربی دیگر همراه با دولت عراق، در اعتراض به عملیات اخیر جمهوری اسلامی به شورای امنیت سازمان ملل شکایت کرده و خواستار برگزاری اجلاس شورای امنیت شده اند. گفته می شود، جلسه شورای امنیت سازمان ملل روز سه شنبه ۲۹ بهمن ماه برگزار خواهد شد.

از سوی دیگر رجایی خراسانی، نماینده جمهوری اسلامی در سازمان ملل متحد نیز طی نامه ای به دبیرکل

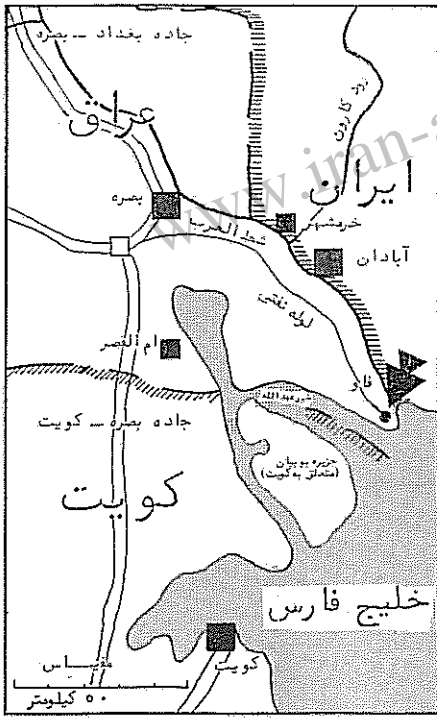


در ساحل شمالی عرب

از کشته سربازان ایرانی پشته ساختند سازمان ملل، عراق را متهم به استفاده از سلاح شیمیایی (گاز خردل)

کرد. دولت عراق نیز متقابلاً اعلام داشت که جمهوری اسلامی از سلاح های شیمیایی در این عملیات استفاده کرده است. به گزارش رسانه ها تاکنون عده ای از سربازان ایرانی و عراقی در اثر استنشاق گاز خردل جان خود را از دست داده و یا معلول شده اند.

خبرها و گزارش های دیگر از سازمان ملل متحد نیز بررسی و تحقیق پیرامون استفاده و یا عدم استفاده سلاح شیمیایی را منوط به قطع جنگ و اعلام آتش بس نموده است. جمهوری اسلامی، اعلام کرده است که به تصمیمات شورای امنیت سازمان ملل متحد کردن نخواهد نهاد.



کمپانی نفتی آمریکایی...

بقیه از صفحه اول

اقدامات حقوقی انحصارات نفتی برای دریافت بقیه آن نیز ادامه دارد.

لازم به یاد آوری است تشکیل کنسرسیوم از اهداف کودتای شنگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و

شمره این کودتا بود. کنسرسیوم در تمام طول حکومت شاه منفور، بر منابع نفتی میهن ما سلطه بیلامنازع داشت. سود کنسرسیوم از این بابت سر به ارقام نجومی می زند. عاقد قرارداد اسارت یار کنسرسیوم، وزیر دارایی حکومت کودتا، دکتر علی امینی، این عامل سرسپرده آمریکا بود.

تابنده باد مشعل رزم فدائیان!

گوشه‌هایی از فعالیتهای تبلیغی فدائیان خلق در داخل کشور

فعالیت تبلیغی سازمان وحشت زده است و به مسئولان قسمت‌ها گفته است، به هر قیمتی که شده باید پخش کنندگان را شناسایی کنند. آن‌ها پشت سر هم جلسه تشکیل می‌دهند. در جلسه‌شان به این نتیجه رسیده‌اند که فدائیان باید خیلی زیاد باشند که اعلامیه‌شان هم از پشت بام می‌آید هم در دفتر فنی پیدا می‌شود و هم در کارگزی پخش می‌گردد.

در واحدهای نساجی ممتاز وری تهران نیز کارگران در تمسخر انجمن اسلامی می‌گفتند، فدائیان از انجمن اسلامی فعال‌تر هستند."

در گزارش دیگر آمده است، "توسط دو گروه پخش در میان کارگران کارخانه‌های البرز و حریر اعلامیه پخش شد، برخورد کارگران چالب بود و راه را برای رفقای پخش کننده باز می‌کردند"



فدائیان خلق، پرچم داران دلیر رزم کارگران و رنجبران، قهرمانانہ بدر آگاهی می‌افشانند، می‌سازند، سازمان می‌دهند و پرچ و پیروی بوسیده حکومت خمینی را فرو میکوبند. فدائیان خلق سرودخوان و ترانه بر لب، در کارخانه، در روستا، در محله، در مدرسه و دانشگاه، در شکنجه‌گاه، در برابر جوخه آتش... همه جا، زندگی می‌آفرینند و مرگ و بیلیدی و تباہی را مغلوب می‌سازند. در طنین قدرتمند این سرود که می‌رود به غرش وعد آهنک توده‌های میلیونی بدل شود. دیریست که خمینی و حکومتش ناقوس مرگ خویش را یافته‌اند. پرتوی از مشعل رزم فدائیان را با درج گوشه‌هایی از گزارش‌های تبلیغی، بازتاب می‌دهیم،

تهران

چندتایی را در مجتمع فدائیان اسلام نصب کردم. موقع برگشت چندتایی که مانده بود زیر برف پاک‌کن چند ماشین پارک شده قرار دادم."

* یک واحد از فدائیان خلق در تهران در گزارش خود نوشته است؛ سیزدهم آبان، روز چهارشنبه سهیل جوادیه، تراکتی با عنوان زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی جنگ افروز توسط یکی از گروه‌های ویژه پخش شد و با استقبال مردم روبرو گردید. به طوری که بعد از چند لحظه تراکت‌ها ناپدید شدند. بچه‌های محل تا چند روز حول تراکت بحث می‌کردند.

از یک گزارش تبلیغی می‌خوانیم، "جمعه ۱۷ آبان روی دیواری در یکی از خیابان‌های شهر ری که قبلاً رنگ شده بود شعار "پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی جمهوری اسلامی" را به طول ۴ تا ۵ متر با امضای فدائیان خلق (اکثریت) نوشتیم. به علت بزرگ بودن کلمات مجبور شدیم تمام شعار را در سه سطر بنویسیم. البته چندان خوش خط از آب درنیامد اما شما آن را به عنوان هدیه انتشار شماره جدید پیشکام بپذیرید. شعار را فردای آن شب بسیجی‌ها خراب کردند و شعار مرگ بر فدائیان را روی آن نوشتند و بعد هم سپاه آمد و محل شعار و سه‌جای دیگر را رنگ کرد. محل شعار، محل سوار شدن کارگران به سربس و دانش‌آموزان به اتوبوس می‌باشد."

مهر در خزانه و اطراف پادگان قلعه مرغی پخش شد."

* از تهران گزارش شده است که، "در تاریخ ۱۹ مهر، ۱۲۰ نسخه مہیام سازمان جوانان به مناسبت آغاز سال تحصیلی در دبیرستان آیت‌الله غفاری، مدرسه راهنمایی سعیدی، راهنمایی ابوذر و یک مدرسه راهنمایی دخترانه پخش شد. همچنین ۲۰۰ عدد از همین اعلامیه در روز ۲۱

* رفیقی در گزارش خود نوشته است، "تعدادی از اعلامیه‌ها را در آموزشگاه پهداد بر روی آینه دستشویی‌ها و روی پله‌ها نهادم. چندتا را هم روی پله‌های کلینیک و مطب و رادیولوژی گذاشتم. همچنین

برای تبریک سال نو مسیحی کارت تبریک زیر از طرف گروهی از هواداران سازمان خطاب به هم‌میهنان ارمنی انتشار یافت.

سپاس از پیشتان آید

مهرستان عزیزان! سلام بر شما عزیزان که در روزهای مبارک سال نو، در کنار ما هستید و با ما شادمانی می‌کنید. ما فدائیان ایران هستیم که برای آزادی ایران و آزادی مردم ایران، در راه مبارک خود ایستاده‌ایم. ما فدائیان ایران هستیم که برای آزادی ایران و آزادی مردم ایران، در راه مبارک خود ایستاده‌ایم. ما فدائیان ایران هستیم که برای آزادی ایران و آزادی مردم ایران، در راه مبارک خود ایستاده‌ایم.

* در بخشی از یک نامه دریافتی آمده است، "چندی قبل هنگام غروب در خیابان آذربایجان، خوش، اعلامیه سازمان علیه جنگ پخش شد و شنیده‌ا مورد استقبال قرار گرفت. یک زن چادری سعی داشت مانع خواندن اعلامیه‌ها توسط مردم شود."

* رفیقی از سازمان جوانان فدایی می‌نویسد، "اعلامیه پیام به مناسبت آغاز سال تحصیلی را در فلاح و خیابان جلیلی و در کوچه‌ها پخش کرد م. پس از پخش در یک کوچه، بعد از چند دقیقه صدای تیراندازی به گوش رسید. به سرعت از منطقه دور شدم."

* بخشی از یک نامه خانوادگی، "در ضلع جنوب شرقی میدان انقلاب در روز شانزدهم آذر تعداد ۵۰۰ - ۴۰۰ اعلامیه به صورت ضربتی پخش شد. با این که در نزدیکی چادر جهاد جهت جمع آوری کمک به جبهه‌ها بود و یکی دو نفر ریشو، تعدادی از آن‌ها را پاره کردند. بقیه آن‌ها مورد استقبال مردم واقع شد. یکی از آن‌ها را که من خواندم مربوط به روز دانشجو و از سازمان جوانان فدایی بود."

* "دویست عدد اعلامیه کمیته مرکزی در مورد کشتار و اعدام فدائیان خلق در مسیر دو دبیرستان و در یک محله کارگری کارگاه‌های کوچک خیاطی و کفافی پخش شد که اکثراً به دست مردم رسید، ۶۰ اعلامیه درباره کشتار اسیران سازمان در سهیل و خیابان شبر و خورشید پخش شد. اخبار بعدی که به دستمان رسید حاکی از پخش موثر این اعلامیه بود."

* رفیقی در گزارش خود می‌نویسد، "تعداد هزار و پانصد اعلامیه در"

* در گزارش از کارخانه... آمده است، "انجمن اسلامی واحد از

تراکت زیر از سوی واحدی از فدائیان خلق در تهران تهیه و توزیع شده است،

۱۵ فراخوان به خلق ایران
بمناسبت پانزدهمین سالگرد بنیانگذاری
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

ای مردم ایران! برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برپائی جمهوری ملی و دمکراتیک ایران به سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

مورد به شهادت رساندن رفیق رضی الدین تابان و علیه جنگ درد و نویت متوالی در ساعات پر رفت و آمد بعد از ظهر در منطقه نهم آبان و نازی آباد روزهای هفته اول و دوم آبان ماه ۶۴ پخش شد. این عملیات بسیار دقیق و منظم و طبق برنامه از پیش تنظیم شده و در مدت زمان تعیین شده انجام یافت. رفا یکی یکی اعلامیه‌ها را در میان خانه‌ها و کوچه پس کوچه‌های گذرها قرار می‌دادند. دیگر این که تراکت‌های کوچک دستی با شعار "مرگ بر خمینی جنگ افروز" در خیابان‌های تختی و خزانه پسر دیوارها چسبانده شد. توام با چسباندن تراکت‌های فوق تمام تلفن‌های منطقه با شعار "مرگ بر خمینی جنگ افروز، زنده یاد صلح" پوشانده شد.

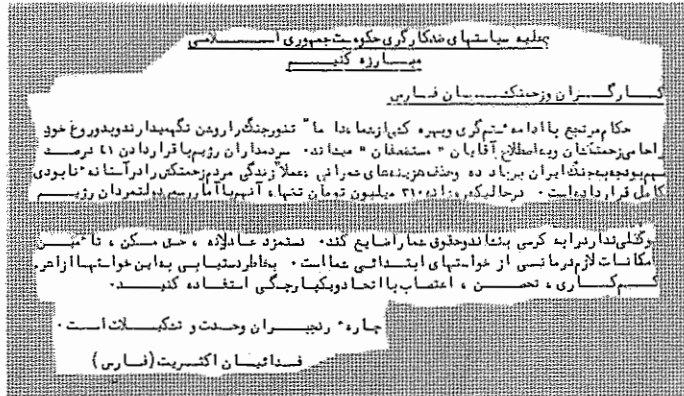
* یک گروه از جوانان فدایی در تهران بخشی از فعالیت‌های تبلیغی خود را چنین گزارش کرده است:

- "روز ۷ آبان، ۱۵ مورد شعار نویسی تحت عنوان "مرگ بر خمینی جنگ افروز" با امضا سازمان.
- روز ۲۶ آبان، توزیع ۱۰۰ اعلامیه "زندانیان سیاسی... و ۱۵۰ تراکت "مرگ بر خمینی... و ۱۵۰ اعلامیه "شهادت رفیق تابان"
- روز ۲۸ آبان، توزیع ۱۰۰ تراکت "مرگ بر خمینی... و ۵۰ اعلامیه "شهادت رفیق تابان"
- روز ۱۲ آذر، توزیع ۵۰۰ اعلامیه "۱۶ آذر... در سطح دانشگاه
- روز ۱۴ آذر، توزیع ۲۵۰ اعلامیه "۱۶ آذر..."

در یک گزارش آمده است:
"کیوسک‌های تلفن که سال‌ها رنگ تمیزی به خود نمی‌دید، اینک با تبلیغات گسترده سازمان، سیجی‌ها بسیاری از آن‌ها را حداقل ۱۵ روز یک بار رنگ می‌کنند."

* در گزارش دیگری نوشته شده است:
"پس از پخش اعلامیه سازمان در مورد جنگ در زیر پل سیدخندان سپاه راه را بسته و اقدام به جمع‌آوری اعلامیه‌ها کرد."

* اعلامیه زیر از سوی فدائیان خلق در فارس منتشر گشت



اصفهان نمودند. مامورین رژیم نزدیک به یک ساعت بعد ساختمان را تخلیه و منطقه را محاصره کردند. این عمل آن‌ها مورد تسخیر مردم قرار گرفت. آن‌ها به دروغ مدعی شدند که بالای ساختمان بمب کار گذاشته‌اند. همچنین توسط واحدهای رزمنده سازمان در ذوب آهن اصفهان علیه جنگ و رژیم بیش از هزار اعلامیه و تراکت پخش شد.

بندر عباس

* یک واحد از فدائیان خلق در

اصفهان

* واحدی از فدائیان خلق از اصفهان گزارش کرده است که:
"اعلامیه‌هایی علیه جنگ در محل‌های زیر پخش شد، ۴۰۰ عدد در مفت آباد، ۶۰۰ عدد در بزرگمهر و خیابان آراسته، ۲۰۰ عدد در خیابان احمدآباد تا میدان امام، ۱۰۰ عدد در کوچه‌های خیابان دستگرد و ۱۷۷ عدد در کوچه پس کوچه‌های رکن الدوله و شامزید و ۳۰۰ عدد در مناطق دیگر اصفهان پخش شده است، همچنین ۷۰۰ عدد اعلامیه در مورد شکنجه و کشتار نیز توزیع شد. علاوه بر این رفاقی ما ۸ شعار بزرگ و ۲۰ شعار با اسبیری نیز نوشته‌اند."

* به نقل از نشریه پیک فدایی،
"رژیم با وجود سخت‌ترین تدابیر امنیتی نتوانست جلوی فعالیت وسیع واحدهای سازمان را در رابطه با بردن شعارهای دیوارها و اماکن عمومی بگیرد. اعلامیه‌ها و

بندرعباس در گزارش خود نوشته است

"۶۰ تراکت "جنگ راقع کنید، مردم صلح می‌خواهند" و ۵۰۰ عدد تراکت با مضمون "علیه جنگ برای صلح بپا خیزیم" پخش شد. همچنین ۴۷۰ تراکت سازمان جوانان در درب ورودی مدارس و در خانه‌ها و ۶۰۰ عدد تراکت "با اعتراض وسیع همگانی... پخش کردیم ۲۰۰ مورد شعار نویسی در سطح شهر داشتیم و ۱۰۰ عدد پرچم در معابر و بر تلفن‌های عمومی چسبانده شد. همچنین ۲۲۱ تراکت دیگر علیه جنگ و ۱۸۵ عدد تراکت "متحد شویم... و ۴۰۰ تراکت با کاغذ رنگی و گل سازمان پخش شد."

قائم شهر

* از گزارش یک واحد در قائم شهر می‌خوانیم،

"اول آذرماه در خیابان ۱۶ متری قائم شهر، پلاکای با شعار "پیروزباز مبارزه خلق... با امضا فدائیان (اکثریت) نصب گردید. این پلاکا رو چهل و هشت ساعت پر چاپود تا این که توسط مزدوران حاکمیت به زیر کشیده شد. ما همچنین در ۹ نقطه شهر با مضمون صلح و آزادی زندانیان شعار نویسی کردیم که حداقل دو روز بر روی دیوار ماندند. (بعضی از شعارها تا دو هفته پاک نشدند) در ضمن یک پلاکار نصب کردیم که سه روز ماند."

* اعلامیه ای از طرف هواداران سازمان در نوشهر و چالوس منتشر و پخش گردید که بخش‌هایی از آن به قرار زیر است:

در رژیم ترور و اختناق مردم از معاشرت با هم محرومند!

مردم آگاه چالوس و نوشهر!

رژیم واپسگرای خمینی می‌خواهد خاک مرده بر کشور بپاشد... در حالی که هر نوع امکانی را برای تفریحات سالم و ورزش از شما سلب کرده‌اند می‌خواهند شما را از دور هم نشست‌های فامیلی و مجالس جشن و سرور به پیهانه‌های واهی "مبارزه با فساد" دور و در کنج خانه‌های خویش زندانی کنند.

... تعدادی از فرزندان شما مردم مبارز چالوس و نوشهر را به خاطر شرکت در مراسم جشن تولد دستگیر و مورد ضرب و شتم قرار دادند. تعداد کثیری از دستگیرشدگان را که دختر ۱۲ ساله‌ای هم در میان آن‌ها بود به ۴۰ الی ۷۰ ضربه شلاق محکوم شدند... حکم صادره را در ملا عام اجرا کردند که منجر به تنفر و انزجار مردم گردید.

مردم آگاه نوشهر و چالوس!

همانگونه که در سال قبل در جریان قتل یکی از جوانان شهر توسط سرکوبگران رژیم و پاسداران سرمایه، بیداری خویش را نشان دادید، بار دیگر صدای اعتراض خود را علیه رژیم و بیدادگری‌هایش که تعداد زیادی از فرزندان شما را در جبهه، در راه جنگ خانمان سوز قربانی و تعداد زیادی از فرزندان شما را در زندان‌ها مخفیانه شکنجه و اعدام و برخی دیگر را این چنین در ملا عام به روش قرون وسطی به شلاق می‌کشند، هر چه راس‌تر سازید!

هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نوشهر-چالوس

* از طرف گروهی از هواداران سازمان در تهران اعلامیه زیر خطاب به پزشکان منتشر و توزیع شد.

پزشکان متعهد!

رژیم مرتجع جمهوری اسلامی جهت هر چه گرم‌تر تکید داشتن تنور جنگ خانمانسوز و ویرانگر و تامين کادر پزشکی لازم برای جبهه‌های پخشنامه‌ای طرح یک ماه خدمت پزشکان را به مناطق جنگی اختصاص داده است و مناطق دور افتاده کشور را از خدمات پزشکی محروم نموده است.

علیه این اقدام ارتجاعی اعتراض کنید!
- خواهان انجام خدمت یک ماهه در مناطق محروم شوید!
- به جبهه‌ها بروید!

هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
آبان ۶۴

روایتی از

یک مدیرکل مکتبی

در سال ۶۱ شخصی به نام همدانلو به مقام مدیرکل اداره راه و ترابری استان آذربایجان شرقی برکنار شده بود. این مدیر "مکتبی" مورد اعتماد از نزدیکان ملکوتی امام جمعه و نماینده خمینی در تبریز بود. وی از آن کهنه دزدانی بود که مدارج ترقی را سریع طی کرده بود.

همدانلو قبل از انقلاب یک شرکت کوچک راه سازی و ساختمانی داشت. او هم مثل دیگر هم قماشان خود، ریش و تسبیح را به موقع به کار گرفته بود. بلافاصله بعد از انقلاب سر از جهاد سازندگی درآورد. بعد از جهاد، ریاست مخابرات تبریز برای چندی به وی سپرده شد و سپس مسئولیت سازمان زمین شهری و اخرا الامر مدیریت کل اداره راه و ترابری استان را به چنگ آورد.

همدانلو هنگامی که وارد اداره شد، دار و دسته اش را نیز به همراه داشت. او هم به رسم دیگر مسئولین اعوان و انصارش را در پست های حساس گمارد تا از درز کردن سوء استفاده و دزدی هایش به بیرون آسوده خاطر باشد. آقای مدیرکل که کارکرد "ارشاد" گرانه انجمن اسلامی را کافی نمی دانست، به محض استقرار واحدی را در این اداره برپا کرد به نام "اداره ارشاد اسلامی". شروع کرد به صدور دستورات شداد و غلاظ. از جمله حکم داد که حتی روپوش اسلامی سابق نیز قبول نیست و زنان کارمند موظفند با چادر سیاه سرکار حاضر شوند. دایره ارشاد اداره حکم پی گیری این گونه فرامین را یافت. جناب مدیر کل همچنین مهندسین متخصص و قدیمی اداره را به نقاط دور افتاده آذربایجان تبعید کرد تا در غیاب آن ها تنظیم هزینه ها و صورت حساب ها راحت تر باشد.

چندی از آغاز کار همدانلو سپری نشده بود که زمستان سرد سال ۶۲ فرارسید و جاده های مرمت نشده و به امان خدا رها شده یک به یک بسته شدند. جاده اصلی تهران تبریز ۴۸ ساعت بسته ماند. در این زمستان در راه های آذربایجان ۶ نفر در پی بسته شدن جاده ها یخ زدند و مردند. اما این مصایب برای آقای مدیرکل مکتبی، نعمتی خداداد بود. او با استفاده از این رویداد از مقامات بالاتر تقاضای بودجه بیشتری کرد که پذیرفته شد. بودجه بیشتر به معنی پروژه بیشتر و این هم به معنی مداخل بیشتر است.

وقتی که بودجه واریز شد، اداره فرورمده "راه" جنب و جوش تازه ای گرفت. همدانلو آرام و قرار نداشت.

جد آ که مدیرکل نمونه بودا برای هر جایی که امکان پول خرچ کردن وجود داشت همدانلو طرحی آماده داشت. لحظه ای را برای اجرای طرح از دست نمی داد. در هر شهر استان، اداره راه و ترابری تاسیس کرد. در طول راه ها، راهدار خانه های تازه ای برپا نمود. اکیپ های راه سازی در کوه و کمرگرم کار بودند.

آقای همدانلو در میان مسئولین برو و بیبایی پیدا کرده بود. علاوه بر حمایت آیت الله ملکوتی امام جمعه، کارهای انجام شده را مدام به رخ می کشید و هم چنین ایشان مدام پز می داد که ضد "مستکبرین" هستند. زیرا اجدا با مقاطعه کارها در افتاده بود و قطعاتی که بیش از این به پیمانکاران مقاطعه داده شده بود، از آنان پس گرفت همه کارها را اداره زیر نظر سرپرستان منتخب آقای همدانلو خود به صورت امانی پیش می برد.

امارتو دمی دانستند که غرض و مرض مدیر کل مکتبی چیست. او می دانست که پروژه های بیشتر سرمایه های بیشتری می برد. از سرمایه های بیشتر تاراج بیشتری می شود کرد. علاوه بر این اصلاحیه لزومی دارد که مقاطعه کارها هم در بخشی از غنیمت سهیم شوند. بهتر است خود مدیرکل و دار و دسته اش در "اداره ارشاد اسلامی" تمام آن ها را به طور کامل بالا بکشند. پس چه ضرر دارد شعارهای ضد استکباری علیه مقاطعه کاران داده شود. نه این که ضرر ندارد، همه اش منفعت است، به این ترتیب همه بودجه سال ۶۲ خرچ شد. آن هم مستقیماً زیر نظر شخص مدیر کل. آن هم نه در طول سال بلکه در مدت ۶ ماه. زیرا آقای مدیرکل برای جذب سهم خویش خیلی عجله داشتند.

۶ ماه دوم که شروع شد کفگیر حسابداری به ته دیگ خورد و علاوه بر این چهار میلیارد ریال هم بدهکاری به پار آمد. همدانلو ناقل تا آنجا که توانسته بود سردیگران کلاه گذاشته و برخی دیگر را پرداخت نکرد و وسطال داد و هوار راه انداخت که، ندارم که ندارم! طلب کاران هم ماندند که چه کنند. اداره راه را که نمی شد زندانی کرد. مدیر کل که شخشا بدهکاری نداشت تا احویانا آدم بی خیر از

اوضاعی او را تحت پیگرد قرار دهد. وقتی که زمستان رسید پروژه های اداره راه هم مثل جاده های استان شده بودند. گاهی دایر بودند و گاهی پایر. این وضعیت دل پسند آقای همدانلو نبود. برای کارهای خوابیده که نمی شد از حسابداری پول بیرون کشید. اگر از حسابداری پولی بیرون نیاید، به حساب آقای همدانلو که پولی نمی رود. به هر کلکی که هست باید کارها را راه انداخت. همدانلو این بوروکرات دست پرورده جمهوری اسلامی به فکر افتاد که سرم پانگی های خودش کلاه بگذارد و بهتر آن دید که بخشی از بودجه ارگان های دیگر را از دست آن ها بیرون بکشد. او که زبان همتیانش را در ادارات دیگر بلد بود با آن ها قراردادهایی منعقد کرد. با اداره آب و برق، با وزارت کشور، با اداره مخابرات و با ... برای یکی راه مرزی می ساخت. برای دیگری راه مخابراتی و برای سومی ...

به این ترتیب اداره راه در حالی که کارهای اصلی اش را رها و جاده ها را به امان نه اول کرده بود، به پیمانکار دیگر ادارات و ارگان ها تبدیل شد. کسی هم نبود که به آقای همدانلو این مدیر کل مکتبی و نمونه بگوید، خرت به چند است و در این زمستان سیاه تکلیف راه ها و خلق الله رهگذار چه می شود؟ همدانلو و اداره اش کاری به این کارها نداشتند. اداره اش یک شرکت مقاطعه کاری شده بود. درست تر این که این جناب بوروکرات خود یک مقاله کار شده بود. به همان سبب مقاطعه کاران هم با دیگر ادارات "اسلامی" معامله می کرد و چندین برابر قیمت تمام شده آن ها را تیغ می زد. مثلاً برای اداره آب و برق در ماکو پروژه ای را اجرا کرد که حدود یک میلیون و پانصد هزار تومان تمام شد. اما او در ازای این کار ۱ میلیون تومان صورت حساب ساخت و به همان اندازه دریافت کرد.

مدیرکل مکتبی و نمونه جمهوری اسلامی تنها در کثرت کارهای انجام شده و "صرف" بودجه حواله شده نمونه نبود. جناب ایشان کوشش های بی شائبه ای! در کاهش هزینه ها و صرفه جویی در "بیت المال مسلمین" هم انجام داد. این یعنی این که اخراج

دسته جمعی. اخراج گروه گروه کارگر و کارمند. برای این که میزان علاقه مندی ایشان در حفظ بیت المال دریافته شود، می توان از اخراج ۹۰۰ نفر از کارکنان اداره راه تنها در اولین روزهای سال ۶۲ مثال آورد. اخراج های دسته جمعی در این اداره و واحدهای تابعه آن به گونه ای شد که کارگران اداره به طنز عملیات اخراج را "الفجر ۲۰۲۱ و ... نامگذاری کردند. البته اخراج شدگان برای حفظ کار خود دوندگی های زیادی کردند و به هر جایی شکایت بردند و به هر کس و ناکسی مراجعه کردند ولی بیفایده بود. پشت آقای همدانلو خیلی گرم بود و علاوه بر این او که همواره مسلح به کلت بود در وسط راهروهای اداره بالا و پایین می رفت و به هر مخالف و متعرضی بد و بیراه می گفت.

موقعی که بودجه سال ۶۲ حواله شد، همدانلو نتوانست بریز و پشاش تازه ای را آغاز کند و ناچار شد تمام آن را یک جا به حساب بدهکاری های سال گذشته به طلب کاران (که به سهم خود گردن کلفت بودند) بپردازد. اما برای مدیرکل مکتبی فقدان بودجه نمی تواند مانعی به شمار آید. ایشان به یاد آوردند که "چنگ در راس امور است" و دست به کار شدند. به خصوص این که بالایی ها هم همین را از او می خواستند. اداره کل راه استان ویا شرکت مقاطعه کاری همدانلو و شرکا، ماشین های راه سازی را روانه جیبه کرد و به احداث جاده های نظامی پرداخت. بخشی دیگر از تجهیزات اداره گرم کار راه سازی در مرزهای شمالی آذربایجان شدند. وزارت کشور از صرف هر مقدار سرمایه ای برای ایجاد راه های مرزی و ایجاد پست های کنترل و دیده بان در مرزهای شمالی مضایقه نداشت. اصلاً میان وزارت کشور جناب حجت الاسلام والمسلمین ناطق نوری و آقای همدانلو "اخوت برادرانه" وجود داشت. وزارت کشور برای این که شرکت آقای همدانلو (یعنی همان اداره کل راه آذربایجان) بیکار نماند حتی انجام پروژه هایی در استان هرمزگان را هم به او محول کرد. تریلی های سنگین وزارت راه را از آذربایجان تا هرمزگان به حساب بیت المال بردند که میدا همدانلو بیکار بماند. بیکاری که عواید ندارد.

همدانلو جد آ نمونه بود. علاوه بر بیکاری بی بدیل و سودبخش که هم دیدن یار بود و هم زیارت شاه عبدالعظیم و علاوه بر قاطعیت در بیکار کردن کارکنان اداره

قسمت چهارم

بودجه سال ۶۵، سندورسکستگی جمهوری اسلامی

مالیاتهای کم‌شکن، مردم را خانه خراب کرده است

مستقیم کمتر بوده، بیکاره چنان افزایش یافته است که ده‌ها و گاه‌ها پیش از صدمیلیارد ریال بر مالیات‌های مستقیم افزونی یافته است.

جمهوری اسلامی مرتباً بر میزان مالیات‌های غیرمستقیم می‌افزاید. همه روزه اخباری از وضع عوارض و مالیات جدید در روزنامه‌ها درج می‌شود. روی هر چیز، از سیکار گرفته تا سیمان، از برنج وارداتی و کالاهای اساسی گرفته تا خدمات مسافرتی، مالیات جدید بسته‌اند. رژیم خبیثی به این هم بسنده نکرده است. آن‌ها برای سال ۶۵، مبلغ ۱۰۰ میلیارد ریال به عنوان مالیات ویژه جنگی در نظر گرفته‌اند.

حقوق‌بگیران دولت قربانیان مالیات‌های مستقیم

از سوی دیگر تمامی مالیات‌های مستقیم مقرر شده هم توسط سرمایه‌داران و بخش خصوصی پرداخت نمی‌شود. آن‌ها تنها بخشی از آن را می‌پردازند. بخش مهم مالیات‌های مستقیم از درآمد ماهیانه ناچیز حقوق‌بگیران دولت گرفته می‌شود. در سال ۶۲ از هر حقوق‌بگیر دولت ماهیانه ۲۶۵ ریال مالیات گرفته شد (کپهان هوایی ۱۵۰ اسفند ۶۲) حال آن که متوسط میزان مالیات اخذ شده از مشاغل در همین سال از رقم ۶۵۰ ریال در ماه تجاوز نکرد. چالب اینجاست که پا به پای افزایش نقدینگی بخش خصوصی، میزان مالیات این بخش کاهش می‌یابد. تنها در فاصله زمانی سال‌های ۶۰ الی ۶۲، میزان مالیات بردرآمد بخش خصوصی از ۱۰ درصد به ۶/۵ درصد کاهش یافته بقیه در صفحه ۱۲

لازم به ذکر است که مالیات‌های غیرمستقیم عبارت است از مالیات بر کالاهای وارداتی (حقوق و عوارض گمرکی) و مالیات بر مصرف و فروش کالاها. پرداخت کننده این نوع مالیات توده‌های مردم هستند و تقریباً تمامی مبلغی که تحت این عنوان در جدول درآمدهای دولت پیش بینی شده است، از فقیرترین اقشار مردم وصول می‌شود.

در جدول مندرج در این صفحه، میزان مالیات‌های منظور شده در لوايح بودجه سال‌های اخیر به تفکیک در دو بخش مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم ارایه شده است.

در شش ساله اول حکومت جمهوری اسلامی مبلغ کل مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم نزدیک به ۲۶۵ برابر شد.

این جدول نشان می‌دهد که میزان کل مالیات‌ها مدام افزایش یافت. در این میان به ویژه بر مالیات‌های غیرمستقیم افزوده شد. در شش ساله اول حکومت جمهوری اسلامی مبلغ کل مالیات‌ها بیش از سه برابر و میزان مالیات‌های غیرمستقیم نزدیک به ۴/۵ برابر شد. طی این مدت مالیات‌های مستقیم تنها کمی بیش از دوبرابر گردید.

در فاصله زمانی سال‌های ۶۰ الی ۶۲، مالیات‌های مستقیم فقط ۵ درصد رشد داشته‌اند، حال آن که در همین دو ساله، میزان مالیات‌های غیرمستقیم ۱۰۰ درصد افزایش یافته است. میزان مالیات‌های غیرمستقیم که در سال ۶۰ از رقم مالیات‌های (واحد به میلیارد ریال)

سال	مالیات‌های مستقیم	مالیات‌های غیرمستقیم	کل میزان مالیات‌ها
۵۸	۲۲۰	۱۴۰	۳۷۰
۵۹	۱۲۰	۲۱۰	۳۴۰
۶۰	۲۲۰	۲۲۰	۵۵۰
۶۱	۲۹۰	۲۲۰	۵۱۰
۶۲	۲۳۷	۴۶۰	۷۹۷
۶۴	۵۱۷	۶۱۲	۱۱۲۰
۶۵	-	-	۱۱۶۰

مالیات‌های زیان‌مردم تهیدست افزایش می‌یابد

ما در "اکثريت" شماره ۵۷ در بررسی سیاست مالیاتی ناظر بر بودجه سال ۶۴، آن علل و عواملی را که "باعث شده است دولت به افزایش بازهم بیشتر مالیات‌ها روی آورد" برشمرده بودیم. در همان جاتشریح کردیم که چگونه "سیاست مالیاتی را تماماً به زیان توده‌ها تنظیم کرده‌اند". امروز که لایحه بودجه سال ۶۵ را در پیش رو داریم، جدول، ارقام و آمار، تاپلوه‌ها و مفاد این لایحه به روشنی نشان می‌دهد که هر آن چه دربار بودجه سال ۶۴ صادق بود، در ابعاد وسیع‌تر در خصوص بودجه سال ۶۵ نیز مصداق دارد. زیرا که علل و عوامل پیشین پابرجا مانده و مشکلات رژیم حدت بیشتری یافته است. بهاو "بیم صادرات نفتی (این سنگ‌بنای ستون درآمدهای بودجه) کاهش یافته است. بر هزینه‌های سرسام‌آور جنگ بازهم افزوده شده است. غارتگری سرمایه‌داران زلوصفت از هر زمان دیگری فراتر رفته و لکام‌گسیخته‌تر شده است. سطح تولیدات داخلی چنان تنزل فاحشی یافته است که حتی دست‌اندرکاران دروغ‌پرداز رژیم را هم یارای کتمان آن نیست؛ در همین ماه جاری وزیر صنایع سنگین تنزل تولیدات صنعتی رایبه میزان ۱۲ درصد پذیرفت. در واقع بحران به طورهه جنبه‌ها حادتر شده است. از این روست که رژیم در لایحه بودجه سال ۶۵ نیز افزایش بازهم بیشتر مالیات‌ها را در نظر گرفته است. این درحالی است که در آمد پیش‌بینی شده دولت برای سال ۶۵ نسبت به سال جاری ۶ درصد کاهش دارد. معنی این امر چیزی نیست جز فقر و فاقه بیشتر برای زحمتکشان و مردمان تهیدست.

با مالیات غیرمستقیم شهره‌چان زحمتکشان را می‌مکند

هنوز هیچ ارگان رسمی در کشور، میزان مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم سال ۶۵ را اعلام نکرده است. ولی با مروری بر سیاست مالیاتی رژیم در سال جاری و سال‌های اخیر می‌توان تناسب میان این دو نوع مالیات را در سال آتی پیش‌بینی کرد.

مشخصه‌های مورد قبول بازهم بیشتری برای رژیم داشت. ایشان لحظه‌ای را هم از انجام فرایض و پذیرش وظایف عبادی از دست نمی‌داد. این دزد سرگردنه راه‌های آذربایجان یعنی همین مدیرکل مکتبی که امین آقای آیت‌الله ملکوتی نماینده ولی فقیه در آذربایجان بوده است، در کمال فروتنی و به مثابه انجام وظیفه عبادی عضویت در هیات امنای "مصلی" جمع تبریز را پذیرا شده بود. این سمت البته که برای ایشان اعتباری می‌آورد و مطبوع طبعشان بود اما به اعتقاد این مدیرکل نمونه کارهای عبادی هر چقدر هم که براعتبار باشد اگر همراه با منافع دنیوی نباشد چندان مطبوع نیست. صد البته عضویت در هیات امنای مصلی علاوه بر اجر اخروی برای شخص ایشان منافع دنیوی هم داشت. مصلی باید گسترش یابد. گسترش مصلی طرح می‌خواهد. هر طرحی بودجه لازم دارد و صرف هر بودجه‌ای مداخل به همراه می‌آورد. جناب مدیر کل طرح را آماده کرد و بولدوزهای راهسازی را از بیابان‌ها به وسط‌شهر کشاند و به جان ارک علیشاه افتاد اگر ارک خراب شود طرح پول‌ساز گسترش مصلی عملی می‌شود. از این رو ایشان در انجام این وظیفه عبادی قاطعیت خاصی می‌دول داشت.

در مدتی که این مدیرکل مکتبی با این همه قاطعیت به انجام وظایف در همه جایه جز در راه‌های آذربایجان مشغول بود. این راه‌های ویرانه، ویرانه‌نرمی شدند.

طی سال‌های ۶۲ و ۶۴، پل‌های بسیاری راسیل برد بی‌آن که کسی به فکر نگهداری و مرمت آن‌ها بوده باشد. عبور و مرور در محورهای گرمی - اردبیل، کلپیر - خداآفرین، اهر - تبریز، مرند - راه‌های خوی و... مختل شد. ماشین‌های راهسازی در بیابان‌های خوزستان بودند. در سواحل هرمزگان بودند. در کنار ارس بودند، در خیابان‌های تبریز بودند، اما در جاده‌های آذربایجان نبودند تا راه‌ها را باز نکند آرند.

در تابستان ۶۴ افلاس و درماندگی اداره کل راه و ترابری آذربایجان شرقی به چنان حدی رسید که حتی همدانلوا این مدیرکل مکتبی هم تمایل چندانی به ادامه خدمت در آن نداشت. تا هر جایی که مقدور بود، تاراج کرده بود. دیگر چندان چیزی برای غارت کردن نمانده بود. از این رو در مرداد ۶۴ زمانی که حکم انتقال خود را دریافت کرده، آن را پذیرا شد و رفت تا در چراگاه تازه‌ای چریدن را از سر بگیرد.

شش سال از قتل جنایتکارانه رهبران خلق ترکمن گذشت



اولی خلقیان لاله لر
دکتر لیکن نالار
دکترنگ نظامین نورارس
آزادباشاربالار
لاله‌های برسوزگاز
آزادباشار بالار
نظام برابری میاخر اقم کره
فرزند انمان آزاده خواجه زیست

شخص خمینی جنایتکار و به تاکید خلخالی همه مسئولین. همه اینان حکم به قتل رهبران خلق ترکمن داده‌اند. خلق ترکمن و همه زحمتکشان ایران این جنایت و دیگر سیاهکاریهای بسیار آنها را از یاد نخواهد برد.

رفقا شیرمحمد درخشنده توماج، طواق محمد واحدی، عبدالحکیم مختوم و حسین چرجانی را به چه جرمی کشتند؟ آنها شوراها، دهقانی برپا کرده بودند، در خدمت زحمتکشان بودند و برای بهروزی آنان تلاش می‌کردند.

نام شورا دیگر مرکز از یاد دهقان زحمتکش ترکمن نخواهد رفت. شورا آرمان اوست. آرمانی که همواره برای تحققش رزمیده است. دهقان ترکمنی توماج، مختوم، واحدی و چرجانی را هیچگاه از یاد نخواهد برد، چراکه واژه "شورا" را نخست از آنان و یاران آنان آموخته است.

ویکی از کارهای برجسته و انقلابی‌ام در کنید بود... ما دستور دادیم هرکسی را که مسلح باشد بیاورند که آوردند، یکی، دوتا، سه تا، پنج تا، هرکسی را که مسلح آوردند ما اعدام کردیم. این جریان را که می‌گویم شاهد زنده دارم... آقای هاشمی - حاج آقا احمد آقا شخص حضرت امام خود آقای منتظری و همه مسئولین، آقای دکتر بهشتی و آقای قدوسی. کیست که نداند این جریانات را؟ همه می‌دانستند. آقای رفیق دوست هم می‌داند. ۹۴ نفر منجمله توماج، واحدی، مختوم، چرجانی، اینها را بنده اعدام کردم، ۹۴ نفر را اعدام کردم، نه یک نفر... من با قاطعیت اسلامی در کنید وارد جریان شدم و خلق ترکمن را آنجا کوبیدم" (آزادگان - ۲۸ شهریور ۶۲) اعتراف از این صریحتر و عریانتر؟ خلخالی چه خوب همدستانش را معرفی می‌کند، رفیق دوست، هاشمی رفسنجانی، احمد خمینی، منتظری،

تمام سرشناسان اتومبیل دوم را که رفقای ما بودند بازداشت می‌کنند که خبر آن اول بار روز دوشنبه ۲۲ بهمن در فوق‌العاده "کار" انتشار یافت. روزنامه جمهوری اسلامی سه شنبه ۲۲ بهمن ماه اعلام می‌کند توماج همراه با سه تن دیگر به تهران اعزام شده‌اند. خبر اعزام رفقا به تهران توسط حجت الاسلام نور مفیدی (کیهان ۲۷ بهمن) و خلخالی (کیهان ۲۰ بهمن) تأیید شده است.

روز دوشنبه ۲۲ بهمن مطلع شدیم که رفقا به زندان اوین تحویل داده شده‌اند. رفقا قبل از اولین ساعات روز جمعه ۲۶ بهمن از زندان اوین به مرکز سپاه پاسداران سلطنت آباد به شخصی به نام "محسن رفیق دوست" که معاون فرمانده سپاه است، تحویل داده می‌شوند. همان شب بنی صدر رئیس جمهور به سازمان اطمینان می‌دهد که جان هیچ یک از بازداشت شدگان در خطر نیست.

اما سرگناه روز دوشنبه ۲۹ بهمن در نقطه‌ای در چنگل برف گرفته گلستان بین کنید و بجنورد و دقیق‌تر بگوییم بین مینودشت و چمن بید، رفقا را ناچاراً مردانه هدف کلوله‌های ژ-۲ قرار می‌دهند و آنان را پس از شکنجه غرقه در خون به شهادت می‌رسانند.

سال گذشته خلخالی جزئیات این جنایت را این‌چنین بر ملا کرد، "من با قاطعیت در کنید وارد شدم

فدائیان خلق توماج، مختوم، چرجانی و واحدی از پایه گذاران و هدایتگران شوراها، دهقانی ترکمن صحرا، ستاد مرکزی شوراها و کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن بودند. آنها که قیام سرشار از شور و اثری‌شان ساخته بود، تمام وقت خود را در اختیار زحمتکشان ترکمن گذاشته بودند. یک روز در این ده بودند روز دیگر در آن‌ده، یک روز در ستاد با این شورا جلسه داشتند و روز دیگر با آن شورا. شور و حرکت آنان و یارانشان، اعتماد زحمتکشان ترکمن به پیشروان خود چنان توانی به جنبش بخشیده بود که رژیم نمی‌توانست وجود آن و دستاوردهای آن را نادیده بگیرد. در ویژه نامه کار به مناسبت شهادت چهار رهبر شهید خلق ترکمن به تاریخ ۱۶ اسفند ۱۳۵۸ در مورد نحوه به قتل رسیدن آنان چنین می‌خوانیم:

"در روز ۱۸ بهمن، هیات ۵ نفری وزارت کشاورزی مامور حل مساله زمین و رسیدگی به کار شوراها، دهقانی به اتفاق این چهار رفیق شهید در ساختمان ستاد مرکزی شوراها، جلسه مشترک داشتند. جلسه تا ساعت ۲ بعد از نیمه شب ادامه یافت و سپس هر ۹ نفر با هم از ساختمان خارج می‌شوند. هیات ۵ نفری با یک ماشین و رفقا با ماشین دیگر به راه می‌افتند. روی پل شمال غربی شهر پاسداران به هر دو ماشین ایست می‌دهند. ماشین اول را با زور می‌کنند و اجازه حرکت می‌دهند ولی

برای فتح در نبردهای داخلی مفید می‌پندارد.

پندار این مرتجع تبهکار موهومات است. برای رژیم تنگن او هیچ راه بیرون رفتی وجود ندارد. شعله‌های رزم مردم را در راه صلح و آزادی، دود آتش جنگ، خون‌های ریخته شده، شعله‌ورتر می‌کند. اعتلا این رزم است که آتش جنگ را خاموش خواهد ساخت رزم مردم متحد، بیگمان همچنان اعتلا خواهد یافت. آنکه مردمی است در این راه می‌رزد، در راه اتحاد مردم برای صلح و آزادی.

مرگ برخیمینی جنگ افروز!

بقیه از صفحه اول

فرزندان آنها هستند که در موج‌های کلکون شده شطالعرب غرق می‌شوند و یا در سرزمینی بیگانه و ناشناخته در جستجوی پناهگاهی برای گریز از ریزش مداوم خمپاره‌ها به اینسر و آنسر روانند. بر رقم کشته‌شدگان هر روز هزار هزار افزوده می‌شود. خمینی از شادی دست بردست می‌ساید و غرق لذت است. زیرا بر همه این فجایع "فتوحات اسلام" نام نهاده‌اند. خمینی این "فتوحات" را

اخیراً در روزنامه‌های دولتی

انعکاس یافت که میزان مالیات مستقیم وصول شده در هفت ماهه سال جاری نسبت به رقم پیش بینی شده در بودجه سال ۶۴، از کاهش جدی برخوردار است. بدیهی است که مالیات مربوط به حقوق بگیران را تمام و کمال وصول کرده‌اند. پس کاهش مزبور به معنی کاهش مالیات پرداختی بخش خصوصی می‌باشد.

از هم اکنون می‌توان پیش‌بینی کرد که این روند در سال آتی نیز دنبال خواهد شد. رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی راه بیرون رفت از بحران حاد اقتصادی را در تحمیل فشارهای بازهم بیشتر بر مردم جستجو می‌کند و سیاست مالیاتی رژیم منطبق با آن تنظیم شده است.

ادامه دارد.

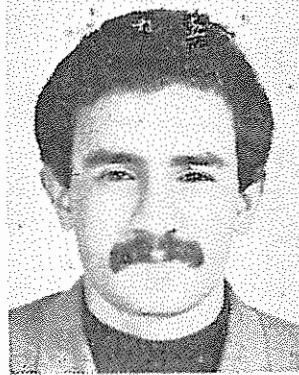
بودجه سال ۶۵... بقیه از صفحه ۱۱

است. از سوی دیگر جمهوری اسلامی تمهیدات دیگری را نیز در خوش-خدمتی به سرمایه‌داران در نظر گرفته است. از جمله در تبصره چهار اصلاحیه لایحه نحوه وصول مالیات‌ها، مصوب مجلس شورای اسلامی، اختیار تعیین میزان مالیات بر عهده صاحبان مشاغل و اتحادیه آنان واگذار شده است. در تبصره چهار آمده است: "وزارت امور اقتصادی و دارایی می‌تواند در مورد مشاغل که مکلف به تکامداری دفاتر قانونی نیستند با احتساب معافیت‌های مقرر، مالیات هر یک از سنوات عملکرد سال ۶۰ و بعد را... با نظر اتحادیه (در صورت وجود اتحادیه‌ای) تعیین و وصول نمایند." (کیهان ۱۱/۲/۶۴)

پیروزی باد سارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

شکفتن درمه

۲۸ بهمن، دوازدهمین سالگرد تیرباران رفقا خسرو گلرخی و کریمت دانشیان است. خاطره اینان که در میدان گاه تماشای از طرف رحیمیت خود، فراتر از آن از حیثیت همه مبارزان راه آزادی، دلوران، دفاع نمودند، بیگناه از خاطر مردم ایران محو نخواهد شد. نام ویاد آقایی و آفریده‌ها و یادگارهای هنریشان، به عنوان افتخارات راهی که آنان پیوسته آن بودند، همواره جاری خواهد ماند. در سالگرد شهادت این دلوران، خاطره‌های از رفیق خسرو گلرخی که توسط یکی از مبارزان نژده یک، انتشارش یافته است را درج می‌کنیم.



رژیم فقها منطقه را به کجای برد؟

بقیه از صفحه آخر

می‌نویسد شط العرب از لحاظ تاریخی، مرز میان جهان عرب و غیر عرب است، و عبور از این مرز، برای دولتهای عربی یک عامل روانی مهم به شمار می‌رود. این روزنامه، کام رژیم خمینی به فراسوی شطراکامی خطرناک به سوی منطقه ای شدن جنگ می‌خواند. شاید قائل شدن اهمیت نا یابین حد برای "والفجر ۸"، یا هدفی مشخص و برای نفت ریختن به آتش تشنجات منطقه ای باشد. اما همین که رژیم، با کام نهادن بدان سوی مرز از لحاظ بین‌المللی شناخته شده ای مانند شط العرب، بهانه و موضوع تازه ای برای اینگونه تبلیغات و انگیزه جدیدی برای تشدید روند شکل گیری یک محور نظامی میان امپریالیسم و کشورهای محافظ کار عربی فراهم کرده، بقدر کافی نگرانی آوراست.

اغلب کشورهای عربی، به ویژه دولتهای حوزه خلیج فارس، از ورود نیروهای ایرانی به خاک عراق ابراز نگرانی نموده آن را محکوم کردند. وزرای خارجه اتحادیه عرب در اجلاس فوق العاده ای در بغداد خواهان عقب نشینی این نیروها و پایان دادن فوری به جنگ شدند. کویت که اینک چپه جنگ به مرزهای آن نزدیکتر شده است، خواستار تشکیل یک نیروی دفاعی مشترک عربی برای مقابله با "توسعه طلبی" رژیم خمینی شد. عراق تقاضای تشکیل نشست فوق العاده شورای امنیت را کرده است. ایران متقابلاً شکایتی را پیرامون استفاده عراق از سلاح های شیمیایی در این عملیات در سازمان ملل طرح کرد و پاسخ شنید که بررسی این شکایت در گرو پذیرش قطع جنگ است.

اتحاد شوروی باتاکید بر بیپه‌ده بودن این جنگ، قطع فوری آن را خواستار شد. واکنش آمریکا در قبال این جنگ جدید چنان با ترمش همراه بود که حتی خلاف عرف دیپلماتیک بنظر می‌رسد و با موضوع گیری "رسی" آمریکا در موارد پیشین تفاوت چشمگیری داشت. سخنگوی پنتاگون برای توضیح سکوت رضایت آمیز آمریکا اعلام داشت که به نظر ایالات متحده این درگیری‌ها یقیناً ایجاد درگیریهای سالهای ۸۴ و ۸۵ را پیدا نکرده است. سکوت مقامات آمریکایی، نشانگر رضایت خاطرشان از عملیات "والفجر ۸" می‌باشد.

می‌کشت و شهرهای شمالی تب و تابی دیگر داشت.

در روزهای داغ حماسه، خسرو خود را به سیاهکل رسانده بود. ظاهراً مجوزی از روزنامه کیهان به عنوان خبرنگار اعزامی با خود داشت. از این رو توانست تادل جنگل‌های سیاهکل ره یابد. زانو به زانو و رویاروی با مردم بنشیند. قضاوت‌های اهالی را با ضبط صوتی که با خود داشت ثبت کند و یادداشت‌های غیر رسمی اش را به سینه تاریخ سپارد. تماشایی بود. حال و هوای شورانگیز خسرو در آن روزها تماشایی بود فضای خفقان آلود آن سال‌ها هیچان نشاط انگیز مردم را از شکوفایی این حماسه نخواست، از چشمها پنهان می‌کرد و آتکارایی آن، بی‌پاکی و شهادت خاصی را طلب می‌کرد و او این همه را با خود داشت.

دوستانش در لنگرود او را در محاصره داشتند خشم و نفرت، شور و اشتیاق، از چشم‌های نافذش زبانه می‌کشید تصویر ستایش انگیزی از حماسه رفقا ارائه می‌داد. انگار پایه پای آن‌ها در لحظه لحظه ایثارگری‌های قهرمانانه‌شان نفس می‌کشید و حضور داشت. در بیان موثر واقع، از تمامت خلایقیت هنرمندانه و ذوق آفریننده اش کمک می‌گرفت و از قضاوت‌های مردمی که با آن‌ها به صحبت نشست بود سخن می‌گفت. شور و شیدایی خاصی داشت، آرام و قراز نداشت. گفتم، خسرو آرام تر، گفت: من یک فدائیم.

ره آورد آن سفرش، یک دفتر شعر با نام "جنگلی‌ها" بود که بر تارک شعرهایش هنوز می‌درخشد.

ای سبز گونه ردای شمالی

جنگل!

اینک کدام یاد

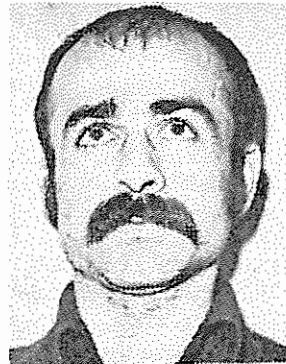
یوی تنش را

می‌آورد از میانه انبوه گیسوان

- پریشانت
که شهریبه گونه مادر خون نشسته است

پناهی، گاهی، در لحظه بیم و امید و به هنگامی که سایه سیاه مرگ را در برابر چشمانم دیدم انکار کسی در من صدا برمی‌داشت، آی... این گونه مردن سزای تو نیست و من نمی‌خواستم، نمی‌خواستم تن به مرگی ناخواسته بدمم که حاصلی در پی نداشته باشد. هر چند زندگی با تمام توانش در برابر مرگ می‌ایستد، اما چگونه مردن نیز به زندگی مفهومی دیگر می‌بخشد. آری در تلاطم مرگ آلود دریا چگونه مردن، چونان سنگی استوار پناهگاه مطمئن من بود.

تفاوت سنی و تجربه ناکافی سیاسی ام مانع از آن می‌شد که مفهوم پر اعتبار حرفش را به درستی دریابم. ساحل "چمخاله" از پیش پای ما



می‌رفت و روشنای شکوهمند ماه به حرف‌های ما می‌تابید که به خانه رسیدیم.

از آن پس تپش‌های هدفمند زندگی او را در شعرها، نوشته‌ها و در نقدهای هنریش دنبال می‌کردم. آن خط سرخ، آن خط سرخ زندگی‌ساز را همواره در هستی پر شورش می‌دیدم که چگونه و با چه شوکتی در تار و پود زندگی فردی و اجتماعی او درخششی ستایش انگیزی می‌یافت.

این بود و بود تا "شکفتن درمه" به روزهای حاصلخیز مبارزات مردم ما نویدی تازه بخشید و جوانه‌های برومند جنگل سیاهکل به بار نشست. نبرها گوش به گوش و دهان به دهان

در عرق ریزان سنگین پاترین روزان تابستان سال ۴۷ هنوز موجهای "بندر چمخاله" آرامش خود را باز نیافته بود به آب زدیم. از ساحل، چندان دور نشده بودیم که موجهای سرکش دریا ما را از هم جدا کرد تا جاییکه صدای یکدیگر را دیگر نمی‌شنیدیم اما چشمهای جستجوگر مادر فراز و فرودهای موج‌های توفنده و از میان هراس غریبی که در جان ما، لانه کرده بود، مشتاقانه یکدیگر را دنبال می‌کردند.

تلاش ما در برابر سهمناکی موج‌ها، چون دست‌های بی‌رقم ما، آرام آرام اثر بخشی خود را از دست می‌داد. مرگ و زندگی، چهره به چهره رویاروی هم، مبارزه بر تلاطمی را در پهنای آشوب زده دریسا نقش می‌زد. ناگهان موجی بلند از فراز سرش گذشت و در اندک زمانی پیکر بی‌رقم، مرا نیز در بر گرفت. در فاصله دو موج تا اندازیهی قدر راست کردم. این بار او تلاشی تازه را آغاز کرده بود دست‌هایش سینه آبی را می‌شکافت و امید تازه را بشارت می‌داد امید زنده بودن را. خسرو با تمام جانش با دست‌هایش به جانب ساحل نجات پارو می‌کشید و در من نیز نیرویی تازه دمیده بود. نیرویی که لبخند کربیه مرگ را که در چند قدمی ما بستر سیاهش را پهن کرده بود، کدر می‌کرد. اینک موج‌های سرکش، موج‌های مرگ، دام سیاه گسترده خویش را فرامی‌چید و باس آلود و ناامید از کنار ما می‌گذشت. پیکر رمق یافته ما دوباره با زیبایی‌های زندگی گره می‌خورد و زبانه‌های حیات در بستر رگ‌هایمان گرمایی تازه دمیده بود.

در هنگامی‌های ساحل از او پرسیدم: در کشاکش‌های بودن و نبودن و در مبارزه نابرابر و بر تلاطم موج و دل، نیروی باز یافته ات از کدام چشمه آب برداشته بود که ناگهان آنگونه بر صلابت و جوشان از میان موج‌های خروشان ره باز کردی. گفت: "بهر طوفان زده، سنگی ست

فیلیپین: صحنه سازی يك "انتخابات" به کارگردانی ریگان

بقیه از صفحه آخر

سرمایه داری در این سالها بطور اخص، در امان نمانده است. بهای مایحتاج عمومی پیوسته افزایش یافته، بیکاری به سرعت بالا رفته و سطح زندگی تنزل شدیدی کرده است. در سال ۱۹۸۵، اقتصاد فیلیپین "رشد" منفی داشت، تولید ناخالص ملی کاهش یافت، و قروض خارجی به رقم ۲۶ میلیارد دلار رسید. از نفوذ "ارتش نوین خلقی" نه تنها کاسته نشده، بلکه در سالهای اخیر بر سرعت گسترش نیروی آن افزوده گردید. جنبش مخالفت باحضور نظامی آمریکا وسیع تر شد.

در واشنگتن، تلاش تب آلودی برای "چاره اندیشی" به راه افتاد. برخی مخالف سیاسی نزدیک به دولت ریگان، حساب و بیوه ای روی اپوزیسیون بورژوازی باز کردند، با این امید که الیکارشی وابسته در این کشور بتواند با تن دادن به پاره ای اصلاحات سیاسی، به حکومت خود پاسداری از منافع استراتژیک آمریکا ادامه دهد. "پنیو آکینو"، شخصیتی که سالها رقیب مارکوس به شمار می رفت، از نظر این محافل مناسبترین چهره برای این امر به شمار می رفت. اما وی در بازگشت از آمریکا روی پلکان هواپیمای هدف گلوله قرار گرفت و کشته شد. مارکوس، خطر را احساس کرده بود.

پس از قتل آکینو، اپوزیسیون بورژوازی تلاشهای جدیدی برای کسب قدرت از طریق "قانونی"، و انتخاباتی آغاز کرد. تحت فشار آمریکا، مارکوس اعلام کرد انتخابات ریاست جمهوری شش ماه پیش از موعد و طبق الگوی ایالات متحده برگزار خواهد شد. احزاب بورژوازی مخالف مارکوس توانستند پس از سالها برای اولین بار بر سر کاندیداهای واحد توافق کنند. کوراژون آکینو بیوه سناتور مقتول به عنوان نامزد ریاست جمهوری و سالوادور لورل رهبر بزرگترین حزب اپوزیسیون بورژوازی بنام "سازمان متحد ناسیونالیستی دمکراتیک" به عنوان کاندیدای معاونت ریاست جمهوری تعیین شدند.

آکینو و لورل از طرح هر گونه خواست رادیکال و برنامه اصلاحات واقعی خودداری کرده و حتی تمديد قرارداد مربوط به پایگاههای آمریکایی پس از به سر آمدن مدت اجاره آنها در سال ۱۹۹۱ را تعهد نمودند.

احزاب و سازمانهای ترقیخواه فیلیپین، انتخابات ریاست جمهوری را بعنوان یک صحنه سازی که سناریوی آن در واشنگتن تهیه شده، تحریم کردند.

جریان برگزاری انتخابات نشان داد که آنچه در آن تعیین کننده نیست رای مردم است. رژیم مارکوس این درخواست مودیانه کلیسای کاتولیک را که در شمارش آراء، قواعد ساده ریاضی را رعایت کند، با عملکرد خود به استهزا گرفت. حزب حاکم مارکوس با ماشین عظیم انتخاباتی ای که سوخت آن بیش از ۱۰ میلیارد "پزو" بودجه دولتی بود، وارد کارزار شد. دستجات اوپاش طرفدار مارکوس، در روز انتخابات، ناظرین اپوزیسیون را از بسیاری از حوزه های انتخاباتی به زور چماق و اسلحه بیرون راندند. ۵۰ کشته و دهها زخمی، بیلان روز هفت فوریه بود. بسیاری از صندوقها ریخته شد و به جای آن، ساعتها پس از بسته شدن حوزه ها صندوقهای جدید پر از رای به مارکوس، آوردند. ۲۰ تن از کارکنان مرکز کامپیوتری دولتی شمارش آراء، به علت دستکاری مقامات رژیم در ارقام استعفا کرده و طی یک کنفرانس مطبوعاتی، اعلام داشتند ارقام واقعی نشانگر پیروزی آکینو - لورل بوده است. اما ریگان در یک کنفرانس مطبوعاتی، اعلام نمود انتخابات علی رغم تقلبهای دوطرف (۱) آزادانه برگزار شده و نشان داده است فیلیپین دارای یک دمکراسی دوحزبی است!

"انتخابات" ریاست جمهوری فیلیپین توهم توده ای وسیعی از مردم را که به امید تحقق تغییرات واقعی به عرصه کارزار آن گام نهاده بودند، فرو ریخته است. از هم اکنون رسانه های گروهی غرب از افزایش اجتناب ناپذیر نفوذ کمونیستها سخن می گویند ("ارتش نوین خلقی" هم اکنون ۲۰ درصد خاک فیلیپین را در تصرف خود دارد) اکنون بسیاری از مردم واهی بودن هرگونه امیدی به رهبری بورژوازی اپوزیسیون "قانونی" را دریافته اند. در مجموع، همه ناظرین تایید می کنند که برخلاف انتظار آمریکا، انتخابات نه تنها اوضاع فیلیپین را ثبات نبخشیده، بلکه دوره ناآرامی از بی ثباتی را آغاز کرده است.

پیش به سوی برگزاری "کنگره جهانی سال بین المللی صلح"

در کنگره نمایندگان شرق و غرب، شمال و جنوب، نمایندگان گروههای محلی صلح، احزاب و تشکلهای سیاسی ملی و سازمانهای منطقه ای خواهند بود. به تشکلهای زنان و جوانان جای ویژه ای اختصاص داده خواهد شد.

کنگره قرارهایی را برای انجام اکسیونها و ابتکارات بین المللی و منطقه ای در مخالفت با مسایقه دیوانه وار تسلیحاتی و گسترش آن به فضای جهانی... به تصویب خواهد رسانید.

دستور کار کنگره برابر با قرارهای مصریه توسط چهلمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد، به ویژه قطعنامه اصلی آن که به اتفاق آراء پذیرفته شد، تدوین خواهد شد و رؤس آن به ترتیب زیر اند:

- * رابطه متقابل بین صلح، رشد اقتصادی و پیشرفت اجتماعی؛
- * لزوم و اجبار خلع سلاح و بیامنیت از وقوع فاجعه هسته ای؛
- * نابودی سیستم نژادی و استعماری؛
- * تضمین حقوق بشر و آزادی به کلیه اعضای اصلی سیاست تحکیم صلح؛
- * صلح به مثابه پیش شرط تأمین حقوقهای بنیادی بشری از قبیل نظیر عدم مداخله، بهداشت و آموزش و تفریح و آموزش، کار و حفظ صلح؛
- * صلح به مثابه پیش شرط آزادی و توسعه اقتصادی و اجتماعی؛
- * نقش و اهمیت همکاری بین المللی، گفتگوهای سازنده، تفاهم و اطمینان متقابل در حفظ صلح، لزوم شرکت دادن دولت ها، پارلمانها و نیز سازمانهای غیردولتی در یک کارزار بین المللی برای دفاع از صلح؛

شرکت کنندگان در کنگره با بحث و تبادل نظر در زمینه های مذکور خود را برای فعالیت عظیم روشنکارانه در سطح جهانی، پشتیبانی و پیشبرد اهداف سازمان ملل متحد در سال بین المللی صلح، تدارک خلع سلاح، مهیا ساختن شرایط لازم برای استقلال ملی و پیشرفت اجتماعی در اقصی نقاط جهان و حل مسالمت آمیز و عادلانه اختلافات بین المللی آماده می کنند.

از روز پانزدهم تا نوزدهم اکتبر سال ۱۹۸۶ "کنگره جهانی سال بین المللی صلح" در کپنهاگ، پایتخت دانمارک برگزار خواهد شد. ابتکار تشکیل کنگره جهانی صلح متعلق به شرکت کنندگان در نشستی است که در روزهای ۳۰ ژوئن تا اول ژوئیه ۱۹۸۵ برگزار شد. شرکت کنندگان در این قسمت که طیف وسیعی از نیروها و سازمانهای سیاسی از کشورهای گوناگون را نمایندگی می کردند و پیشنهاد تشکیل "کنگره بین المللی تدارک کنگره جهانی صلح" را مطرح ساختند. بر این اساس قرار جمعی در تایلند و اشکاف، منظور صلح و همکاری می توانند در کنگره شرکت کنند.

نخستین نشست بین المللی تدارک کنگره جهانی صلح در روزهای چهارم تا شانزدهم دسامبر ۱۹۸۵، در کپنهاگ برگزار گردید. در این نشست ۱۲۰ نماینده منطقه ای، نهضت صلح و جنبشهای جهان و نیز نمایندگان ۱۸ سازمان بین المللی شرکت جستند. در این نشست، در خلال مباحثات از جمله تأکید گردید که جنبش صلح و خلع سلاح طی سالهای گذشته در بسیاری از کشورهای جهان موفق شده است که توده عظیم مردم را از خطر مسایقه تسلیحاتی برای موجودیت نسل بشر آگاه سازد. علاوه بر این تأثیر جنبش صلح بر سیاست برخی احزاب و دولت ها نیز مشهود است.

شرکت کنندگان در نشست کپنهاگ همچنین خاطر نشان ساختند که برگزاری کنگره جهانی صلح در سال ۱۹۸۶ - سالی که توسط سازمان ملل متحد "سال بین المللی صلح" نام گرفته است - امکان بی مانندی را برای ایجاد ارتباط بین بخشهای گوناگون جنبش صلح و پیشبرد گفتگوهای سازنده درباره حال، آینده و سرنوشت نسل بشر روی کره ارض مهیا خواهد ساخت.

کنگره سال بین المللی صلح نمایندگان نهضت های صلح را از چهار گوشه جهان به دور هم گرد خواهد آورد. درهای کنگره برای طیف هر چه وسیع تری از نیروها گشاده خواهد بود و همگی با بحث و تبادل افکار به پیشبرد اهداف سال بین المللی صلح کمک خواهند رساند. شرکت کنندگان

اعلام خیرگشسته شدن عبدالفتاح اسماعیل

رادیو عدن اعلام کرد در جریان درگیری‌های غم انگیز ماه ژانویه در جمهوری دموکراتیک خلق یمن، عبدالفتاح اسماعیل رئیس جمهور اسبق کشته شد. علی سلیم البیض، دبیرکل جدید حزب سوسیالیست یمن، اظهار داشت اسماعیل به علت گرفتن زرهپوشی که مأموریت نجات وی را برعهده داشت، به قتل رسیده است.

در عدن دولت جدید متشکل از ۱۸ وزیر تشکیل شد. یاسین سعید ثومان، نخست‌وزیر جدید که در گذشته معاون نخست‌وزیر و وزیر ماهیکبری بود، اعلام کرد سیاست کشور بدون تغییر ادامه خواهد یافت. حیدر ابوبکر عطاس هم‌زمان با تشکیل دولت جدید، از نخست‌وزیری کناره گرفته و به عنوان رئیس جمهوری انتخاب شد (وی چند هفته رئیس جمهور موقت بود).

همچنین هفته گذشته اعلام شد علی‌ناصر محمد رئیس جمهور پیشین یمن جنوبی اکنون در دمشق به سر می‌برد.



تصویری از خیابان‌های عدن پس از عادی شدن اوضاع

کنگره حزب کمونیست کوپا به کار خود پایان داد

لنینیست انقلاب کوپا" به علت کبولت سن تقاضا نمود از کار در رهبری حزب معاف شود و تقاضای او مورد موافقت قرار گرفت.

کنگره حزب کمونیست کوپا، نخستین برنامه جامع حزب و تغییراتی در اساسنامه و نیز دو مصوبه دیگر را تأیید کرد. این دو مصوبه عبارتند از "جهت اصلی رشد اقتصادی و اجتماعی از ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۰" و "مصوبه درباره تکامل نظام اداره و مدیریت اقتصاد".

کنگره سوم حزب کمونیست کوپا با موفقیت به کار خود پایان داد. کمیته مرکزی منتخب کنگره، در نخستین اجلاس خود بار دیگر فیدل کاسترو را به عنوان دبیر اول و راول کاسترو را به عنوان دبیر دوم حزب برگزید. فیدل کاسترو در نطقی در اجلاس پایانی کنگره، اسامی ۴ عضو و ۹ کاندیدای دفتر سیاسی منتخب کمیته مرکزی را اعلام نمود و از فعالیت رفقای که از دفتر سیاسی کناره گرفتند، قدردانی کرد. بلاس روکا، از موسسین "حزب مارکسیست -

حزب کمونیست هائیتی؛

دیکتاتوری بدون دووالیه جنبش توده‌ای و امتوقف نخواهد کرد

این کشور زمام امور را به دست گرفته، ژنرال مامفی است که از نزدیکان پدر دووالیه (دیکتاتور اسبق) به شمار می‌رفت و تا برکناری دووالیه دوم، عهده‌دار ریاست ستاد ارتش بود. سایر اعضای دولت جدید نیز اکثراً با دولت دووالیه همکاری داشته‌اند.

از اقدامات دولت جدید، انحلال پلیس مخفی خون آشام دووالیه و پارلمان جعلی هائیتی بوده است.

رنه تلو دوره، دبیرکل حزب کمونیست هائیتی که مبارزه‌ای مخفی را پیش می‌برد، طی یک کنفرانس مطبوعاتی با شرکت خبرنگاران خارجی در هاوانا هدف مانورهای آمریکا در قبال هائیتی را برقراری "دیکتاتوری بدون دووالیه" خواند و گفت این مانورها نخواهد توانست جنبش توده‌ای را در این کشور متوقف سازد. رهبر حزب کمونیست هائیتی اعلام کرد این حزب برای شرکت در یک دولت ائتلافی دموکراتیک در هائیتی هیچ گونه پیش شرطی قابل نیست.

دی پروتوس، رهبر "اتحادیه نیروهای میهنی و دموکراتیک هائیتی" اعلام داشت در حال حاضر مذاکراتی با دولت جدید هائیتی بر سر برنامه این دولت در جریان است. پروتوس خواهان به دست گرفتن قدرت سیاسی توسط یک دولت ائتلافی متشکل از همه گروه‌های اپوزیسیون در ظرف یک ماه آینده شد.

لازم به یادآوری است، رئیس "شورای موقت نظامی" هائیتی که به دنبال فرار دووالیه دیکتاتور

پنجشنبه هفته گذشته، بیش از ۵۰ هزار نفر با شرکت در تظاهراتی در "پرت اوپرس" پایتخت هائیتی خواهان برکناری همه عوامل دیکتاتور سابق از مشاغل دولتی شدند. به غیر از دوتن، سایر اعضای دولت از این زمره‌اند. دبیرکل حزب کمونیست هائیتی در مصاحبه‌ای با رادیو کوپا، خواهان سرنگونی رژیم جدید هائیتی که در واقع حکومت دووالیه بدون شخص او است، شد. وی گفت سقوط دووالیه پیروزی بزرگی است، اما مسائل کشور هنوز حل نشده‌اند.

قبایل پشتون پاکستان، ۵۰ ضد انقلابی افغانی را به هلاکت رساندند

می‌دهد. آن‌ها برای تقاضای کمک به مقامات افغانی مراجعه کرده‌اند.



نمایندگان قبایل افریدی و شیواری در یک کنفرانس مطبوعاتی که با شرکت خبرنگاران خارجی در استان مرزی ننگرهار افغانستان تشکیل شد، اعلام کردند علت واقعی تجاوز مقامات پاکستان به قبایل پشتون مخالفت آن‌ها با تبدیل سرزمینشان به پایگاه مداخله در امور داخلی افغانستان و مقاومتشان در برابر عبور ضد انقلابیون افغانی از این منطقه است و نه مبارزه ادعایی با "قاچاق مواد مخدر". آن‌ها شواهدی آرایه دادند که نشان می‌دهد محافل حاکم پاکستان در سازماندهی قاچاق مواد مخدر سهم عمده‌ای دارند.

گزارش‌های رسیده از ناحیه مرزی پاکستان و افغانستان حاکی است واحدهای مسلح قبایل پشتو به دو اردوگاه ضد انقلابیون افغانی حمله کرده و ۵۰ تن از اشرار را به قتل رساندند. در منطقه پارچنار، پشتون‌ها موفق شدند ستاد مرکزی یکی از دستجات ضد انقلابی را که تحت حمایت ارتش پاکستان نیز قرار داشتند، با خاک یکسان سازند.

در بسیاری از نواحی منطقه دره خیبر، گردهمایی‌ها و تظاهراتی با شرکت مردم پشتون تشکیل شده است. خبرگزاری افغانی باختر گزارش می‌دهد در این گردهمایی‌ها از مبارزه برحق قبایل افریدی و شیواری پشتیبانی به عمل آمده و شرکت کنندگان، خواهان پایان دادن فوری به تجاوز نظامی ارتش پاکستان به منطقه دره خیبر و تخلیه سرزمین قبایل پشتون توسط اشرار افغانی شده‌اند.

قبایل پشتون در حالی به مقاومت ادامه می‌دهند که رژیم اسلام‌آباد با استفاده از هواپیماهای بمب افکن و سلاح‌های سنگین آمریکایی، دهکده‌های منطقه را زیر آتش گرفته‌اند.

عکس مقابل دیدار ننگرهار محمد امین، وزیر امور قبایل و ملیت‌های جمهوری دموکراتیک افغانستان را با نمایندگان قبایل افریدی نشان

اخبار کوتاه

* کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در نشست در کابل برنامه ۵ ساله اقتصادی تا سال ۱۳۷۰ را به تصویب رساند. در طول اجرای این برنامه، افزایش درآمد ملی به میزان ۲۶ درصد، افزایش تولید صنعتی به میزان ۲۸ درصد و افزایش تولید محصولات کشاورزی به میزان ۱۴ الی ۱۶ درصد پیش بینی شده است.

* انتخابات پارلمان سوریه به انجام گرفت. در نتیجه این انتخابات، حزب کمونیست سوریه توانست بار دیگر به پارلمان راه یافته و ۹ کرسی از ۱۹۵ کرسی مجلس را به خود اختصاص داد. حزب حاکم بعث، ۱۲۹ کرسی و "جبهه ملی ترقی خواه" ۵۷ کرسی به دست آوردند.

* صندوق بین‌المللی پول تصمیم گرفت به سودان دیگر اعتباری ندهد. علت این تصمیم، رد شرایط این صندوق توسط دولت سودان بود. این شرایط شامل حذف سوبسید مایحتاج عمومی و کاهش بودجه رفاهی و اجتماعی می‌گردد. خبرگزاری سودان در تفسیری نوشت این کشور به عنوان واکنش در برابر تصمیم صندوق بین‌المللی پول، روابط خود را با کشورهای سوسیالیستی گسترش خواهد داد.

بیانیه مطبوعاتی

دیدار نمایندگان حزب کمونیست شیلی و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)

در روز ۱۷ بهمن یک دیدار رسمی بین رفیق مهدی فتاویور عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) و رفیق ناواریوناو عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست شیلی انجام یافت. در این دیدار شرایط بین المللی و اوضاع دو کشور مورد مذاکره قرار گرفت. در پی این دیدار یک بیانیه مشترک مطبوعاتی به شرح زیر انتشار یافت:

دو تن فوریه دیداری ما بین رفیق ناواریوناو عضو هیات سیاسی حزب کمونیست شیلی و رفیق فتاویور عضو هیات سیاسی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) انجام شد. در این دیدار که در محیط رفیقانه و نظام اندرناظرانیستی صورت گرفت دیدار بین اوضاع دو کشور و فعالیت‌ها در هر دو جهت تبادل اطلاعات انجام پذیرفته و درباره شرایط بین المللی تبادل نظر صورت گرفت. رفیق ناواریوناو اظهار داشت که در این دیدار ما بین رفیق فتاویور و رفیق ناواریوناو در خصوص شرایط بین المللی و اوضاع دو کشور و فعالیت‌ها در هر دو جهت تبادل اطلاعات انجام پذیرفته و درباره شرایط بین المللی تبادل نظر صورت گرفت. رفیق ناواریوناو اظهار داشت که در این دیدار ما بین رفیق فتاویور و رفیق ناواریوناو در خصوص شرایط بین المللی و اوضاع دو کشور و فعالیت‌ها در هر دو جهت تبادل اطلاعات انجام پذیرفته و درباره شرایط بین المللی تبادل نظر صورت گرفت.

برای اشتراك نشریات "کار" و "اکثريت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه رسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك نشریه "کار":	<input type="checkbox"/> شش ماهه
مارك ۱۳	مارك ۱۱	<input type="checkbox"/> يك ساله	
۲۴	۲۱		
دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك نشریه "اکثريت":	<input type="checkbox"/> سه ماهه
مارك ۳۰	مارك ۲۷	<input type="checkbox"/> شش ماهه	
۵۸	۵۲	<input type="checkbox"/> يك ساله	
۱۱۵	۱۰۲		

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید):

AKSARIYAT
NO. 95
MONDAY FEB 17 .86
Address: آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

حساب بانکی:
AUSTRIA - WIEN
BAWAG
NR. 029 10701-650
DR.GERTRAUD ARTNER

گامی خطرناك به آن سوی رود

دیدگاه برخی مفسرین، رژیم فقها برای "در صحنه ننگ داشتن حزب الله"، به دست و پا کردن "موقفیت" ی از این دست نیاز مبرم و کهنه ای داشت. روزنامه "فرانکفورتر روند شاو" چاپ آلمان فدرال می نویسد برای برطرف کردن این نیاز، رژیم متوسل به آخرین حرب شد و بار دیگر "گوشت دم توپ" خود را دسته دسته به کام آتش فرستاد. روزنامه لوموند نوشت انگیزه جمهوری اسلامی "حفظ روحیه جنگی و خنثی کردن روحیه شکست خوردگی (که در تهران حتی در میان محافظ نزدیک به حکومت شیوع دارد)" بوده است. به نظر سرمقاله نویس این روزنامه "موقفیت اولیه ارتش ایران نمی بایست تومی ایجاد کند... هنوز حرف آخر زده نشده است"

روزنامه "زود دوپچه تسایتونگ" چاپ آلمان فدرال بقیه در صفحه ۱۲

بدنیال عبور واحدهایی از نیروهای مسلح جمهوری اسلامی از شبه العرب (اروند رود) و مستقر شدن آنها در مناطقی از خاک عراق، توجه افکار عمومی و رسانه های گروهی جهان بار دیگر به "جنگ خلیج" که بر غم ابعاد فاجعه بار، به علت طولانی و فرسایشی شدنش، توسط برخی روزنامه نگاران از آن بعنوان "جنگ فراموش شده" یاد می شود، جلب گردید. به مدت چند روز، رادیو، تلویزیون و روزنامه های غرب اخبار مربوط به حمله جدید جمهوری اسلامی به عراق را در ردیف رویدادهای مهم جهان منتشر کردند.

در تفسیرهایی که پیرامون تشدید جنگ ایران و عراق منتشر شده، تقریباً همه ناظرین متفق القولند تبلیغات پر هیاهوی رژیم خمینی پیرامون حمله اخیرش، بیشتر برای "مصرف خانگی"، یعنی به منظور پیشبرد اهداف سیاست داخلی است. از



اسیران ایرانی در یازده اشتکاهی در عراق، در آرزوی پایان جنگ و رهایی

فیلیپین: صحنه سازی يك انتخابات به کارگردانی ریگان

در تاریخ جمعه ۷ فوریه، در فیلیپین "انتخابات" ریاست جمهوری اسلامی برگزار شد. فردیناند مارکوس رئیس جمهور که از سال ۱۹۶۵ عهده دار این مقام است، و کورازون آکینو (پبوه بنینو آکینو سناتور پیشین و رقیب مارکوس که در سال ۱۹۸۲ در فرودگاه مانیل توسط نظامیان به قتل رسید) برای احراز مقام ریاست جمهوری به رقابت پرداختند. هشت روز بعد، یعنی روز شنبه ۱۵ فوریه، پارلمان فیلیپین مارکوس را رسماً به عنوان برنده انتخابات اعلام کرد.

رژیم مارکوس سالها "افتخار" مبارزه با کمونیستها در فیلیپین را پدک می کشیده و بهمین خاطر مورد حمایت کامل و اشتگتن قرار داشته است. برقراری حکومت نظامی، سرکوب اپوزیسیون و انجام "اصلاحات" در روستاها شیوه های مارکوس براء، پیشبرد این هدف بوده اند. اما فیلیپین نیز در سالهای اخیر از عواقب وخیم اقتصادی ناشی از ناموزنی های رشد سرمایه داری بطور اعم و بحران جهانی اقتصادی بقیه در صفحه ۱۴

مرکز نشر امپریال ایسم جهانی به سرکردگی امپریال ایسم آمریکا